



انترناسیونال ۴۷۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش
بازگرداندن



منصور حکمت www.m-hekmat.com

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۶ آبان ۱۳۹۱، ۱۶ نوامبر ۲۰۱۲ - ۱۶ صفحه

"یارانه های هوشمند" بلای جان جمهوری اسلامی

بر سرنوشت این طرح متمرکز شده. بدنبال تصویب طرح دوفوریتی بحث در مورد مرحله دوم یارانه ها، روز سه شنبه این هفته مجلس اسلامی علیرغم مخالفت دولت احمدی نژاد، رسماً توقف مرحله دوم این طرح را با اکثریت بالایی تصویب کرد.

ادامه صفحه ۲

کاظم نیکخواه

طرح اقتصادی "هدفمند کردن یارانه ها" برآستی به معضل جدی و به بلای جان جمهوری اسلامی در شرایطی بسیار خطیر و حساس تبدیل شده است. طرحی که یارانه "هدفمند" و "هوشمند" و برنامه

قیافه رقت انگیز و کریه قاتلان اسلامی!



مینا احدی

میکشند تا به بقیه نشان دهند که قدر قدرت هستند. با واکنش اعتراضی عمومی، جا خالی میدهند، دروغ می بافند و با وقاحت و پررویی داستانسرایی میکنند و بجان هم می افتند. مردم ایران شما را می شناسند. هیچکس در ایران فکر نمیکند که قرار است حکومت اسلامی به جنایت خودش در مورد کشتن يك وبلاگ نویس رسیدگی کند، همه میدانند که قرار است "ماستمالی" کنند، قرار است ارتقا مقام دهند، قرار است در نهایت يك نفر از رده های پایین را دستگیر کنند و سپس پرونده را مختومه اعلام کنند. همزمان به خانواده ستار هشدار

ادامه صفحه ۲

قاتل ستار بهشتی، خود شمائید جناب آملی لاریجانی و برادران وقیح و جنایتکار لاریجانی! قاتل ستار بهشتی حکومتی است که با ریختن خون مخالفین و معترضین متولد شده و با جنایت نفس میکشد! کافی است به دستهای خودتان نگاهی بکنید!

معجزه چین: کمونیسم یا کاپیتالیسم؟

پرولتاریا و رشد سرمایه داری (است) را البته به پای کمونیسم مینویسند! وقتی سخن از "کارگاه تولید جهان" (بخوانید کارگاه تولید ارزش اضافه جهانی) و "نقش فوق العاده مثبت رشد اقتصاد چین" در تخفیف بحران جهانی سرمایه داری (و در واقع ممانعت از گرایش

مصطفی صابر

وقتی صحبت از "معجزه چین" و رشد اقتصادی خیره کننده اش است، برکات کاپیتالیسم و بازار آزاد را یادآور میشوند. اما اختناق و استبداد حاکم بر چین (که مثل هرجای دیگر همزاد خلع مالکیت دهقانان، ایجاد خیل عظیم

ادامه صفحه ۳

قتل ستار بهشتی و عکس العمل ها

صفحه ۴

شهلا دانشفر

کلامی خطاب به زهرا دخترم که امکان دسترسی به او را ندارم!

ادامه صفحه ۱۲

مینا احدی

صفحات دیگر

هنر سیاسی مغفله کاران

یاشار سهندی

درحاشیه فیلم کوتاه یوسف اکرمی

محمد کاظمی

تشدید اخراجها و حملات راسیستی رژیم به افغانستانی های مقیم ایران محکوم است!

محمد شکوهی

فاجعه هونناک اعتیاد در ایران

لیلا مشیری

حجاب پوشش نیست!

فرح صبری

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

"یارانه های هوشمند" بلای جان جمهوری اسلامی



کاظم نیکخواه

از صفحه ۱

کرد. مرحله اول نیز بطور جدی زیر سوال است. همین هفته اعلام شد که دولت برای پرداخت یارانه نقدی بقیه ماههای باقیمانده امسال ۱۰ هزار میلیارد تومان کسر بودجه دارد و اگر بخواهد این پرداخت ها را ادامه دهد باید مجلس تصویب کند که قیمت گاز و برق و آب افزایش یابد و مبلغ ۱۰ هزار میلیارد تومان از این منبع به بودجه اضافه شود. شماری از نمایندگان به شدت با این پیشنهاد مخالفت کردند. یکی از آنها میگوید افزایش قیمت گاز و برق و آب، "مثل ریختن بنزین بر آتش است"، و بعد میگوید بجای آن باید سه دهک بالایی که بیش از ۱۰ میلیون نفر را شامل میشوند را از دریافت یارانه ها محروم کرد. اکنون سوال جدی ای که مقابل کل حکومت قرار دارد اینست که کدامیک خطر بیشتری دارد؟ حذف بیش از ده میلیون نفر از دریافت یارانه ها، یا افزایش قیمت برق و گاز و آب؟ آنهم در شرایطی که گرانی دارد بیداد میکند، ارزش پول ایران چندین برابر افت کرده، و فشار کم شکن اقتصادی بر اکثریت مردم جامعه را به مرز انفجار کشانده است.

خطر هرچه باشد، با توجه به وضعیت فلج و فروپاشی اقتصادی میتوان با قطعیت گفت که حکومت ناچار است خود را از شر سیاست کذایی "هدفمند کردن یارانه ها" خلاص کند. چون امکان اقتصادی ادامه آنرا ندارد. این طرح همانگونه

که قبلا نوشتیم قرار بود سالیانه حدود ۹۰ تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان از منبع حذف یارانه ها به خزانه دولت بریزد. اما به دلایل مختلفی از جمله نزاع باندهای حکومتی و ترس از شورش مردم، اوضاع اینگونه پیش رفت که ناچار شدند سالیانه بیش از ۴۰ هزار میلیارد تومان یارانه نقدی بدهند و در آمدی که از حذف بخشی از یارانه ها کسب میکنند تقریباً نصف این میزان است.

یارانه ها و کارگران و مردم

تا آنجا که به مردم مربوط میشود این البته ظاهر ماجرا است. در واقعیت طی مدت اجرای این طرح یعنی کمتر از یک سال اخیر قیمتها چندین برابر افزایش داشته است. بخشی از این افزایش به دلیل حذف سوبسیدها یا یارانه ها و پرداختهای نقدی است، و بخش بیشتری به دلیل تحریمهای بین المللی و کلا فلج اقتصادی ای است که بر اقتصاد جمهوری اسلامی حاکم است. اکنون همه کس میدانند که اقتصاد جمهوری اسلامی در بدترین وضعیت خود قرار دارد. صندوق بین المللی پول که سال گذشته گزارشی غیر واقعی از بهبود اقتصاد جمهوری اسلامی داده بود امسال در گزارش خود اعتراف کرده است که ارزیابی اش واقعی نبوده و رشد اقتصادی جمهوری اسلامی برای امسال منهای ۹ دهم در صد است و در سال آینده نیز در همین حدود خواهد بود. هنوز هم این سازمان آمار و اطلاعاتش در مورد نرخ بیکاری و گرانی و تورم بر اساس آمار جمهوری اسلامی است. اما با وجود همه اینها به این نتیجه میرسند که اقتصاد جمهوری اسلامی در حال انحطاط است.

با توجه به این مردم همانگونه که پیش بینی میشد چندین برابر آنچه را که بعنوان یارانه نقدی دریافت میکنند، با افزایش قیمتها از دست میدهند. وقتی که قیمتها

بطور سراسری حدود ۶۰ تا ۷۰ درصد افزایش یافته، و در مورد برخی کالاهای اساسی بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت وجود دارد، آشکارا معنیش نصف شدن در آمد همه مردم است. طبعاً آنچه مردم از دست میدهند سرمایه داران و دولت و کسبه به جیب می زنند. اما این دردی از دردهای جدی حکومت را حل نمیکند.

بنزین بر آتش

میتوان تصور کرد که با حذف کامل یارانه ها، وضعیت زندگی زیر خط فقر میلیونها نفر از مردم به چه شکلی در خواهد آمد. حذف پرداخت یارانه نقدی وضعیت قیمتها را به میزان و سطح سابق بر نمیگرداند. بلکه برعکس با توجه به تشدید درهم ریختگی و بی اطمینانی اقتصادی، گرانی و تورم را بسیار افزایش خواهد داد. و اگر با آن مقابله جدی نشود میتواند برای توده کارگران و مردم فاجعه بار باشد. یعنی توده هفتاد میلیونی مردم که اکثراً فی الحال چندین برابر زیر خط فقر زندگی میکنند، هم پول کمتری در دست خواهند داشت و هم باید برای نیازهای اولیه زندگی خود پول بسیار بیشتری بپردازند.

جمهوری اسلامی میدانند که مردم این را به هیچ وجه نمی پذیرند. و این آن چیزی است که نماینده مجلس اسلامی بدست آنرا "ریختن بنزین بر آتش" مینامد. یعنی فوران خشم مردم میلیونی. با احتمال زیاد سعی شان این خواهد بود که ذره ذره این روال را به خورد مردم دهند. یعنی امسال ده میلیون نفر را از دریافت نقدی محروم کنند، شش ماه بعد ده میلیون نفر دیگر و الی آخر. اما میتوان تصور کرد که با وضعیت سیاسی و اجتماعی ای که وجود دارد، در همان قدم اولش نیز خواهند ماند. یک طرح دیگر نیز اینست که در انتخابات سال آتی این طرح را هم زیر بغل احمدی نژاد بدهند و قال هردو را بکنند. اما

روشن است که این هم برایشان بهیچ وجه راحت نیست.

بهررو يك رودر رویی همه جانبه با جمهوری اسلامی گریز ناپذیر و نزدیک است. جمهوری اسلامی دارد زور و بازوی خود را با گسترش دستگیری ها و زندان و اعدام نشان میدهد. اما صفی که مقابل آن قرار دارد فی الحال بدرجه زیادی با همین دریافتی های نقدی و شرایط اقتصادی مشابه، متحد شده است. هفتاد میلیون نفر خود را طلبکار جمهوری اسلامی میدانند و هر ماه منتظرند که دولت پولی به حسابشان بریزد تا بتوانند زندگی کنند. خود

از صفحه ۱

میدهند، آنها را تهدید میکنند و اگر دستشان برسد مادر و خواهر داغدار ستار را نیز میکشند. این حکومت اسلامی ایران است!

نکته مهم اما رقت انگیز بودن اینها است. در مقابل يك واکنش اعتراضی مردم، رنگ از صورتشان میپزد، به تنه پته می افتند و ترس و زبونی از قیافه اشان هویدا میشود. این حکومت از مردم میترسد. این حکومت از سایه خود میترسد و اینرا باید در پرت و پلا گوئیهای نمایندگان و از جمله سخنگوی قوه قضائیه اش دید. یکی میگوید ستار با مرگ طبیعی مرد، دیگری میگوید آثار شکنجه دیده ایم و سومی میگوید این آثار وجود ندارد و چهارمی میگوید وقتی رفتند نهار بدهند او را در سلول مرده یافتند. نگاه کنید به این جماعت مفلوک و بهم ریخته! تنها هنر همه اینها از اصلاح طلب و رانده از حکومت گرفته تا احمدی نژاد و خامنه ای و برادران لاریجانی و همه و همه يك چیز است: راحت آدم میکشند! به راحتی با خواندن چند آیه از قران و چند ورد از پیغمبرشان، مخوف ترین جنایات را انجام میدهند. سنگسار میکنند و چوبه دار برپا میکنند و

حکومتیان حتی در دعوایشان اعتراف کرده اند که باید میزان پرداختی ها به بالای ۷۰ هزار تومان در ماه به هر نفر افزایش یابد. توقع و انتظارات مردم بالاست. صفوف حکومت بشدت در هم ریخته است و دارند از "جنگ نهایی" با یکدیگر و "آبادگی برای شهادت" سخن میگویند. رهبران و فعالین جنبشهای اجتماعی باید بطور جدی خود را برای این رودرویی آماده کنند و آنرا علیه کل حکومت و همه جناحهایش جهت دهند.*

قیافه رقت انگیز و کریه قاتلان اسلامی!

هر آنچه از جنایت و رذالت و وحشیگری لازم است به آن دست میزنند و سپس دعا خوانده و فوت کرده و میروند و ... این جایگاه و اهمیت اسلام برای همه اینها است. دین مقدس اشان به آنها امکان وقاحت کافی و لازم را میدهد که شرارت کنند و جنایت و خونریزی سازمان دهند و با پرویی به چشم مردم نگاه کرده و از مردم طلبکار هم باشند. وقاحت اسلامی را سی و سه سال است که مردم ایران تجربه میکنند.

در مقابل این جماعت فقط باید يك کار کرد. بساطشان را باید به زیر کشید. با کوله باری از تجربه خونین در ایران، رفتن این حکومت با موجی از مذهب زدایی در ایران همراه خواهد بود که همه اینها آن را میدانند و از همان روز وحشت دارند. ما از همه مردم معترض دعوت میکنیم که به اعتراضات برای روشن شدن علت و چگونگی قتل ستاربهشتی و روشن شدن عاملان و آمرین این جنایت ادامه دهند. ما خواهان بررسی این قتل توسط نهادهای بی طرف بین المللی هستیم.

مینا احدی

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱۳ نوامبر ۲۰۱۲

معجزه چین: کمونیسم یا کاپیتالیسم؟



مصطفی صابر

از صفحه ۱

کمونیست است!

وقتی اوپاما از سوی جمهوریخواهان و راست ترین گرایش‌های وال استریت با اتهام کمونیست داغ میشود، حضرات فراموش میکنند که نه فقط "نیروی کار ارزان" چین کمونیست از مهمترین منابع سود وال استریت است، بلکه ارزش اضافی که دولت سرکوبگر چین بر دوش طبقه کارگر آن دیار تولید و بصورت اوراق قرضه دولتی آمریکا "ذخیره" کرده، اکنون یک تکیه گاه عملکرد روزمره کل سرمایه داری آمریکا است!

خلاصه دنیای غربی است. جای مارکس خالی تا ببیند پیش بینی او در مورد اینکه چگونه "بورژوازی جهانی همسان خود میسازد"، چه کرانه هایی را فتح کرده است. دیگر بر خلاف دوره او این کالای ارزان بورژوازی (غرب) نیست که هر دیوار چینی را فرو میریزد، بلکه این صدور کالای ارزان چین به غرب و همه جهان است که اگر دور آن دیوار بکشند اقتصاد جهانی بورژوازی فرو میریزد! ۲۰ سال بعد از غریو پیروزی اقتصاد بازار بر اقتصاد دولتی، نعره شکست "اردوگاه کمونیسم" در برابر "جهان آزاد"، حالا یک "چین کمونیست" پیدا شده که از هر بورژوازی بهتر بلد است "رشد" کند، یعنی سرمایه را بسط دهد و ارزش اضافه تولید کند و عملاً به یکی از مهمترین ارکان "بازار آزاد" و بقای "جهان

آزاد" تبدیل شده است. این عجایب قرن بیست و یک را چطور باید توضیح داد؟

اما آنچه اینجا غریب است دنیای وارونه و ایدئولوژیکی است که ذهنیت، هیستری و تبلیغات ضد کمونیستی بورژوازی ساخته است. دنیای وارونه ای که زیر آوار تناقضات مسخره خود دارد خرد میشود و دانشمندان و مفسران در بی بی سی و سی ان ان غیره هر روز منبر میروند که آنرا رفع و رجوع کنند. واقعیت امر ساده و سر راست است. نه نظام حاکم بر چین هرگز کمونیستی بوده و هست و نه دیوار چینی بین اقتصاد دولتی و بازار آزاد سرمایه داری و دیکتاتوری طبقاتی مترادف با آن (چه استبداد تک حزبی نوع شرق و چه دموکراسی معمولاً دو حزبی غربی) وجود داشته و دارد. اینها همه صاف و ساده اشکال مشخص بردگی مزدی، یا همان سرمایه داری بوده است. دیدیم که چطور امثال یلتیسین و پوتین یونیفرم کا.گ.ب و کمونیسم روسی شان را پشت و رو کردند و یکشنبه شدند قهرمانان بازار آزاد و دموکراسی و ملی گرایی. کمونیسم چینی حتی آن یونیفرم را هم عوض نکرد. حزب به اصطلاح کمونیست چین اکنون دارد دومین اقتصاد جهان را اداره میکند و با تلفیقی از روش های اقتصادی برنامه ریزی دولتی و بازار آزادی چنان سرمایه داری پر رونقی را سامان داده که آب از دهان همان دانشمندان و مفسران غربی جاری کرده است.

در واقع "معجزه چین" قبل از هر چیز دارد بزرگترین دروغ قرن بیست که هنوز ستون تبلیغات و تلقی بورژوازی از دنیا و سیاست و تاریخ است را بنحو بی سابقه ای بر ملا میکند. یعنی این دروغ که رقابت و مواجهه دو اردوگاه

جهانی بردگی مزدی در شرق و غرب را بعنوان جدال کمونیسم و سرمایه داری جلوه دادند. اینک نقش انکار ناپذیر چین "کمونیست" در حیات و بقای سرمایه داری قرن بیست و یک دارد همه تبلیغات مک کارتیستی و جنگ سردی را دود میکند و به هوا میفرستد. بعینه به همه جهان می آموزد که آن کمونیسم و این سرمایه داری تماماً از یک قماش اند. هر دو تنها اشکال مختلفی از حاکمیت "یک در صدی ها" اند. مساله هر دو "رشد" و "سود" و "بهره وری کار" و "بانک" و "سهام" است. هر دو اشکالی از اقتدار و حاکمیت سرمایه و سود بر بردگان مزدی جهان یعنی میلیاردها انسان است. تنها تفاوت هایی در مقیاس تاریخی ناچیز ناشی از شرایط شکل گیری و رشد این اشکال مختلف سرمایه داری را از هم متمایز میکنند. وگر نه دست آخر همان پلیونر هایی که در حزب کمونیست چین رهبر تعیین میکنند و در مورد سیاست و اقتصاد سرمایه چینی تصمیم میگیرند، در حزب دمکرات و یا جمهوریخواه آمریکا نیز تعیین میکنند که اقتصاد و سیاست و دولت و قانون آن دیار از چه قرار باشد.

البته تفاوت هم هست. گیرم پلیونر های اولی "تازه به دوران رسیده" و محصول عروج متاخر سرمایه داری صنعتی و مدرن در یک کشور عمدتاً دهقانی آسیایی باشند؛ و دومی ها وارثان "انقلاب صنعتی" و استقرار سرمایه داری در قرن هژده و نوزده میلادی در غرب باشند. گیرم یکی دقیقاً به خاطر عروج سرمایه داری از دل مناسبات دهقانی و ماقبل سرمایه داری و دریای "خون و عرق" نیاز به یک دیکتاتوری خشن داشته باشد و دیگری این کار را در دوره سلطنت های بورژوازی اروپا به سرانجام رسانده باشد. گیرم یکی با یک نیروی کار ارزان

و کم توقع و تازه از روستا آمده روبرو باشد که تازه دارد اولین تجارب مبارزاتی اش را می آموزد و تلاش های بیشمارش برای بهبود اوضاع بشدت سرکوب میشود. و دیگری با طبقه کارگری رشد یافته و با سنت روبرو است که قبلاً در خیابان های پاریس و شیکاگو غسل تعمید حمام خون دیده و ۸ ساعت کار و بیمه های اجتماعی و حق رای عمومی (از جمله زنان) و درجه ای از آزادی های سیاسی را به بورژوازی تحمیل کرده باشد. با وجود همه این تفاوت ها (که می شود بیشتر در باره آنها صحبت کرد) همه کس دارد می بیند که چین کمونیست و آمریکای دمکراتیک تنها اشکال متفاوتی از سلطه سرمایه بر کار، مالکیت خصوصی بر تولید اجتماعی، سود و حرص بر آسایش و رفاه، خشونت و جنگ بر صلح و نوع دوستی، ربا و دروغ بر حقیقت و انسانیت است.

اما بالاخره سرنوشت کمونیسم این میان چه شد؟ اگر کمونیسم عبارت از جنبش پرولتاریای نوین برای رهایی از یوغ سرمایه و بردگی مزد باشد (چنانکه مارکس و انگلس نام "مانیفست کمونیست" را بر اساس آن انتخاب کردند)، "معجزه چین" بنحو طعنه آمیزی چنین جنبشی را بیش از بیش ضروری تر و بالقوه قدرتمند تر میکند. راز معجزه چین چیزی نیست جز تبدیل کردن صدها میلیون دهقان و نیمه دهقان به کارگر مزدی و پرولتاریا. وقتی در اواخر دهه ۷۰ قرن بیست میلادی سرمایه داری در سطح جهانی (چه "جهان آزاد" و چه "بلوک شرق") بدنبال یک دوره طولانی رونق بعد از جنگ وارد بحران اقتصادی شدید و ساختاری شد، وقتی تاچر و ریگان و نشوکانها در غرب دست بالا گرفتند و شوروی و سرمایه داری دولتی فرو می پاشید، چین دوره رشد سریع صنعتی شدن و تعامل

قتل ستار بهشتی و عکس العمل ها



شلا دانشفر

اوین دیدار کند این جنایت صورت نمیگرفت. از سوی دیگر روزنامه جمهوری اسلامی از ماجرای کهریزک بعنوان دمل چرکینی بر پیکر جمهوری اسلامی سخن گفت و نوشت که اگر با خاطیان بازداشتگاه پرماجرای کهریزک با سرعت و قاطعیت برخورد شده بود و به آنان پست و مقام و موقعیت داده نشده بود، امروز شاهد ماجرای ستار بهشتی و ماجراهای مشابه نبودیم.

روشن است. واقعیت بزرگ پشت همه این ماجرا ها قدرت اعتراضات مردم است. وحشت رژیم از همان چیزی است که بخاطر آن چنین سراسیمه شده و بر ابعاد اعدامها و جنایاتش افزوده است. موضوع ترس از خشم و اعتراض و انقلاب است که این جانیان را چنین به جان هم انداخته است که پرونده های جنایات و دزدی های یکدیگر را رو کرده و دارند به روی هم شمیر می کنند.

اینها همه نشانگر اینست که از یکسو رژیم اسلامی در اوج استیصالش موج جدیدی از آدمکشی به راه انداخته است و بیرحمانه هر روز تعدادی از جوانان مردم را تحت عناوین مختلف کشتار میکند تا جلوی انفجار اعتراضات جامعه علیه فقر و فلاکت گسترده ای را که زندگی مردم را به تباهی کامل کشیده است، بگیرد. از سوی دیگر مردم دارند در مقابل جانیان اسلامی صف آرایی میکنند. قتل ستار بهشتی و اتفاقاتی که بدنبال آن شاهدش هستیم بیش از پیش مخصمه این حکومت را به نمایش گذارد. چون رژیمی که به خیال ارباب جامعه ۳۰۰۰ نفر را در لیست اعدامهایش گذاشته است، امروز میبیند که قتل ستار میتواند به

خشم و نفرت گسترده و عکس العمل های بسیار وسیع نسبت به قتل بیرحمانه ستار بهشتی وبلاگ نویس جوان، نشان میدهد که تلاش جمهوری اسلامی برای جنایت و کشتار علیه منتقدان سیاسی، کار ساده ای نیست و بهیچ وجه بی جواب نمیماند. ستار بهشتی طی یک هفته به یک نام شناخته شده در ایران و در گوشه و کنار جهان تبدیل شد. این جنایت تا همینجا برای رژیم آنچنان گران تمام شده است که هر ارگان و نهاد و جناحی سعی میکند آنرا به گردن دیگری بیندازد. این اعتراضات از همان ابتدا یعنی وقتی که خانواده اش را از در گذشت عزیزشان با خبر کردند، با مصاحبه های آنان با رسانه های خبری آغاز شد. خواهر ستار در گفتگو با رسانه ها اعلام کرد که برادرش بخاطر انسانیت جان باخته است و بعد هم معلوم شد که وی خود را فعال مبارزه علیه اعدام میدانسته است. مساله فورا در سطح مدیای اجتماعی انعکاس یافت. اعتراضات سرریز شد. در برابر این موج اعتراض رژیم سراسیمه شد و همان ابتدا ده جور موضوع را چرخاندند تا حقایق پشت این جنایت را بپوشانند. اما این تلاش نیز علیه خود حکومت تبدیل شد. دعوایشان بالا گرفت. از یکطرف مرتضوی جلاد کهریزک بخاطر مرگ ستار اشک تمساح ریخت و عده ای گفتند اگر احمدی نژاد اجازه یافته بود از

احمدی مقدم فرمانده ارشد رژیم حجاب و ماهواره ها دو معضل اساسی این حکومت است. در چنین شرایطی است که موج اعدامها به جریان افتاده است و همه شواهد حاکی از این است که ما مردم میتوانیم و باید جلوی این کشتار ها را بگیریم. همانطور که کارگران دو کارگاه در ذوب آهن اصفهان راه نشان دادند، میتوان همه محیط های کارگری را به سنگری محکم علیه اعدام و علیه سرکوب تبدیل کرد. میتوان با بیانیه و قطعنامه های اعتراضی نفرت و انزجار خود را از این کشتار نشان داد و صف محکمی از اعتراض و مبارزه در مقابل جانیان اسلامی شکل داد. میتوان با پیوستن به تجمعات اعتراضی خانواده هایی که

جرقه ای تبدیل شود که خشم کل جامعه را شعله ور سازد. یک نمونه جالب توجه و آموزنده این بود که در ذوب آهن اصفهان، کارگران نام دو کارگاه "مرآت" و "الکتریکی" را در حرکتی نمادین بنام ستار بهشتی نام گذارند و روی تابلوی ورودی این کارگاهها نام ستار را نقش کردند. حرکتی شجاعانه و انساندوستانه که بیش از هر چیز بیانگر فضای جامعه امروز ایران است. اعتراضی که میتواند به مراکز کارگری بسیاری تسری یابد. بعلاوه اکنون دیگر این نهاد ها و تشکلهای مردمی هستند که شروع به اعتراض به این جنایت کرده اند. از آن جمله بیانیه کانون نویسندگان است که در آن ضمن محکوم کردن این جنایت از حق آزادی بیان و اندیشه سخن میگردد و بیانیه زندانیان سیاسی رجائی شهر که در آن اعلام میشود بسیاری از افراد زندانی در زندانهای جمهوری اسلامی یا در معرض مرگ تدریجی اند، یا بصورت گمنام کشته و بخاک سپرده میشوند.

این در واقع آغاز کار است. چون این کل جامعه است که دیگر از فقر و گرسنگی و بیحرمتی به فغان آمده است و در مرز انفجار قرار گرفته است. به عبارت روشنتر اینها همه در شرایطی اتفاق می افتد که محیط های کارگری پر از اعتراض و مبارزه است و هر روز صدها کارگر با تجمعات اعتراضی و دست کشیدن از کار حق و حقوقشان را طلب میکنند. مقابل مجلس اسلامی به محل تجمعات اعتراضی دایم بخش های مختلف مردم، کارگران، بازنشستگان از تهران و شهرهای مختلف تبدیل شده و هر روز صد ها نفر در اعتراض به وضع موجود در آنجا تجمع دارند. بقول

معجزه چین: کمونیسم یا کاپیتالیسم؟

از صفحه ۳

را به ما گوشزد کند این است که این ابرقدرت جدید بر کوهی از باروت نارضایتی، حق طلبی و انقلاب پرولتری بنا شده است. کسی نمی داند کی و چگونه جرقه به این انبار باروت خواهد افتاد. اما این حقیقت که بحران اقتصادی که از ۲۰۰۹ آغاز شد، علیرغم همه تلاش های بورژوازی برای تخفیف آن، همچنان سایه ترسناکش بر جهان موجود است و حتی رفته رفته کشورهایی نظیر چین را نیز به کام خود میکشد؛ این حقیقت که در سال ۲۰۱۱ ما با یک رشته انقلابات گسترده در خاورمیانه و شمال آفریقا و جنبش های اجتماعی در غرب روبرو بودیم، به ما یادآور میشود که دهه های پیش رو بیش از آنکه عرصه جدال ابرقدرتهای بورژوازی باشد عصر انقلابات عظیم اجتماعی برای رهایی از شر سرمایه داری در تمام اشکال و ایسم هایش، با تمام ابرقدرتها و جدال و رقابت بین آنها خواهد بود.*

مواجهه و نبرد یک در صدی ها با ۹۹ درصدی ها شده است. یک درصدی هایی که بخاطر سود و حفظ استیلای سرمایه و منافع طبقاتی خود دارند بشریت را به نابودی سوق میدهند. نمونه "معجزه چین" در این مورد بسیار خصلت ناماست. خیلی از مفسرین که هنوز در قالب فکری دوره جنگ سرد و جدال قطب های بورژوازی سیر میکنند با دیدن رشد سریع چین و تبدیل شدن آن به یک ابرقدرت اقتصادی و سیاسی، برایمان تفسیر میکنند که دهه های آینده عصر نبرد ابرقدرت جدید (چین) با ابر قدرت موجود (آمریکا) است. شکی در این نیست که با پایان جهان دو قطبی چندین دهه است که توازن و تعادل بین نیروهای بورژوازی در سطح جهان بهم خورده و بیش از این هم دستخوش تغییر خواهد شد. اما اگر عروج ابرقدرت چین حقیقتی

هنر سیاسی مغلطه کاران

یاشار سهندی

میگویند سیاست هنر است و هر کسی را در این وادی راهی نیست، این هم چیزی نیست که راست و دروغش با آن کسانی باشد که این را مدعی هستند؛ این بواقع حقیقت دارد، چون خیلی هنر میخواهد که يك مغلطه کار حرفه ای باشی. درستتر این است که بگویم سیاست (بورژوازی) هنر مغلطه کاری است که این را میشود نزد سیاسیون بورژوازی بسیار یافت و اصولا کارشان مغلطه کردن است و خاک پاشاندن به چشم "ایرانیان" است. میگویند سیاست هنر اداره کردن امورات کشور است خب پر واضح است که این از دست هر کسی بر نمی آید مخصوصا ما توده مردم که گویا قرار است تا ابد الدهر بر ما حکومت کنند چون ما مردمیم یا طفل و صغیر هستیم که خوب و بد خودمان را تشخیص نمیدهیم یا مست تیغ بدست که به خود آسیب میزنیم.

هفته گذشته برای دقایقی پای صحبتهای شهرام همایون نشسته بودم ایشان مدام تاکید میکرد: "خانمها و آقایان ما مسئولیم" چون

گویا ما ایرانیان این مصیبت جمهوری اسلامی را بر پا کردیم حالا دندمان نرم و چشم مان کور باید بکشیم. ایشان مدعی شد شاه مستبد بود درست، اما مگر ایران را از يك کشور عقب مانده به يك کشور پیشرفته تبدیل نکرد، مگر زنان ما آزاد نبودند و ایشان صدایش را بالا و پایین میکرد و تاکید میکرد اگر میگذاشتیم شاه به کارش ادامه دهد آزادی ها را هم اعطا میکرد و نگذاشتیم! ایشان تا توانست "ملت ایران" را خفت داد. مجتبی واحدی سخنگوی مستعفی شیخ شجاع (کروبی) و مفسر صدای امریکا در یادداشتی کوتاه چنین نوشته که "ما مردم عجیب و خود فریب هستیم و دوست داریم همیشه فریب بخوریم! ایشان با دلایل متقن ثابت کردند که آنچه که از سوی رژیم "جنایتکار جمهوری اسلامی" روی میدهد تقصر خود ماست و از ماست که بر ماست! ایشان نوشته اند: "همه اینها را گفتم (ایشان لیستی از "ازدخوشی های فریبنده" ایرانیان قبلار دیف کرده که چنین نتیجه بگیرد) تا بگویم ما، هم در برابر افتخارات، بسیار احساسی هستیم و آماده فریب

خوردن از احساسات خویش و هم در برابر ظلم هایی که می بینیم. تا زمانی هم که چنین هستیم دیگران به خود حق می دهند جنایت های قبلی خویش تحت الشعاع جنایتی جدید قرار دهند". و آقای هوشنگ اسدی به دیدن فیلم "ارگو" (فیلمی به روایت هالیوود از تسخیر سفارت امریکا توسط اوباش جمهوری اسلامی) رفته و عرق شرم بر پیشانی اش نشسته از این که ایرانیان را آنگونه که در فیلم نشان دادند، به نمایش گذاشته اند و خدا خدا میکرده که که کسی متوجه نشود که او ایرانی است. بعد پل الوار که شعر آزادی را در قرن بیستم سروده چنین تحقیر میکنند: "ایرانی ام من. ای الوار، شعری که تو برای آزادی سرودی، قرنهای پیش پرچم میهن (نمیدانستیم بردگی همان آزادی است!) من بود که يك سوم جهان مسکون در آفتابش زندگی می کرد." و دلتنگ میگوید: "...عطر گل سرخ، رایحه یاس بر سجاده مادر بزرگ، زمزمه شبانه ستارگان کویر، خنکای چشمه کوههای بلند ... ایران ... ایران ... قربانی نادانی و خشونت بدوی شد که جامه انقلاب به تن کرد و اسلام را

هزار بار و ایران را میلیونها بار کشت. وهولناکتر از همه شرم ایرانی بودن را تن پوش ما کرد." و "برای زدودن شرم ایرانی بودن از دل "ایشان صلا در میدهند که "برخیزید ... سجاده نشین و باده گسار سرود ای ایران را بخوانید."

براستی که خیلی هنر میخواهد سیاه روی سفید، کوتاه و بلند بنویسی، کتاب منتشر کنی، میزگرد برگزار کنی، جلسه مخفی و علنی بگیر، صاف تو چشم مردم نگاه کنی و يك کلام به مردمی که زیر دیکتاتوری حکومت اسلامی خرد شدند، حتی به اشاره از رفاه و آسایش و آزادی بی قید و شرط سیاسی و نبودن اعدام و سنگسار، از خوشبختی انسانها نگویی. از این بیشتر اما همه جنایتی که يك حکومت که خود به نوعی دست اندر کار آن بوده ای و یا در رژیم گذشته (که در زمان خود دیکتاتوری وحشی بوده) از آن ارتزاق میکردی، خود مردم را مقصر جلوه دهی که خودتان باعث شدید که این همه مصیبت ببار بیایید. براستی هنر میخواهد که از کوههای بلند بلند ایران بگویی و رایحه یاس سجاده مادر بزرگ اما بخود اجازه ندهی اشاره کنی که این مردمی به خیابان آمدند در پی آزادی بودند نه کوتاه کردن قتل کوههای بلند

ایران. این مغلطه کاریها اما دلیل بسیار روشن و واضحی دارد. ایشان به جامعه طبقاتی باور دارند و قبول دارند که بسیاری باید محکوم باشند که کار کنند و هیچی نخواهند و کسانی هم باید باشند که تا به "تمشیت امور" پیردازند و گر نه آن بسیاری، کار نخواهند کرد و بدتر از آن مطالبات "غیر معقول" خواهند داشت. برای سرکوب آن توده مردم کارکن بیش از هر چیز باید اینگونه به ایشان القا شود که شما يك مشت نادان و صغیر هستید و يك عده آدم فاضل، مدیر و مدبر لازم است که کشورداری کنند. درکنار ایشان ساواک لازم میشود و دستگاه امنیتی و اطلاعاتی، و این و کهریزک بکار می آید. برای همین از کوه و دشت و رایحه یاس گفته میشود و از رفاه و آزادی چیزی گفته نمیشود. جمهوری اسلامی جنایتکار میکند (البته برای برخی تازه این مسجل شده است. قبلا که در دفتر شیخ شجاع درس آزادی تلمذ میفرمودند!) و حقیقتا بسیار استعداد میخواهد مردمی که قربانی این جنایات سبعانه میگردند را تقصیرکار قلمداد کنی که خودتان باعث و بانی آن بودید. این هنر سیاسی تنها و تنها از دست سیاستمداران بورژوازی بر می آید.*

درحاشیه فیلم کوتاه یوسف اکرمی درباره فعالیت های "ایران سولیداریتی" در تورنتو

محمد کاظمی

مواردی هست که يك کار هنری هرچند کوتاه تاثیر بسیار عمیقتری از يك مقاله، سخنرانی و یا مصاحبه دارد. فیلم کوتاه اکرمی از این نوع است. او در این فیلم مستند کمتر از ۱۵ دقیقه نه با کسی مصاحبه میکند و نه خود حرفی میزند. این خود صحنه ها و فعالین ایران سولیداریتی هستند که با بینندگان فیلم رابطه برقرار میکنند. او ترجیح میدهد که از فیلم سیاه و سفید

سولیداریتی در تلاش برای ارتباط گیری با عابرین کاندادی درشلوغترین چهار راه تورنتو (یانگ و دانداس) هستند. ولی هنوز هیچ ارتباط فعالی بین فعالین و عابرین وجود ندارد. فاصله بین دقیقه هشتم تا دهم دقایقی است که داستان به مرحله ای تعیین کننده میرسد. در این دقایق فعالین با صدای بلند عابرین را به امضای پیتیش و حمایت از مبارزه مردم ایران میطلبند ولی عابرین به سرعت از آنها فاصله میگیرند. در این جا

و موسیقی آرام استفاده کند تا بیننده فیلم را در فضایی بدور از تهیج به قضاوت بخواند. درعین حال تو گویی در این فیلم او داستان روند مبارزهای را ترسیم میکند، داستانی که با وقفه ای کوتاه در دقایق نسبتا پایانی فیلم به اوج خود میرسد. خوانندگان عزیز میتوانند در فیس بوك ایران سولیداریتی ای این فیلم را تماشا کنند. <http://www.youtube.com/watch?v=iAeazF-1g1I&feature=youtu.be> در قسمت اول فیلم، فعالین ایران

برروی آن نوشته شده است NO TO DEATH PENALTY را امضا کنند. فیلم نهایتا با نشان دادن پارچه ای پر از امضاهای انگلیسی و فارسی به پایان میرسد. اکرمی عزیز! اجازه می خواهم به عنوان یکی از فعالین ایران سولیداریتی به خاطر این کار زیبا و ارزنده به شما تبریک بگویم. همچنین، برای مبارزه تان در افشای جنایات رژیم اسلامی و برای برقراری دنیایی بدور ازستم و استثمار آرزوی پیشروی های بیشتری را بکنم.*

تشدید اخراجها و حملات راسیستی رژیم به افغانستانی های مقیم ایران محکوم است!



محمد شکوهی

تصویب و اجرای سیاستهای راسیستی و ضد مهاجرین افغانستانی مقیم ایران توسط جمهوری اسلامی در هفته های اخیر شدت بیشتری به خود گرفته است. در استان کرمان که بیشترین تعداد مهاجرین افغانستانی ساکن هستند، اقدامات بشدت راسیستی برعلیه این جمعیت تصویب و به اجرا گذاشته است. در سایر استانها هم این اقدامات مشابه در حال اجرا می باشد. در ادامه این سیاستهای ضد انسانی برعلیه مهاجرین افغانستانی، روزنامه خراسان خبر از مصوبه جدید دولت در این مورد داده است. این روزنامه نوشته است: "براساس مصوبه جدید هیئت دولت که به پیشنهاد وزارت کشور و تایید معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور صورت گرفته، این وزارتخانه موظف است بنا به تکالیف برنامه پنجم توسعه، برنامه ریزی لازم را برای اخراج ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از اتباع بیگانه تا سال ۱۳۹۴، بازگشت داوطلبانه ۲۰۰ هزار نفر و پایان وضعیت پناهندگی ۷۰۰ هزار افغانی انجام دهد".

در خبر دیگری محمود سروش مدیربرنامه مراقبت بهداشت مرزی رژیم گفته است: برای "رفع نگرانی های نظام سلامت کشور و برای جلوگیری از شیوع بیماریهای واگیر که از طریق تردد اتباع بیگانه کشور را تهدید می کند،

سیاستهای زیر تصویب و به اجرا گذاشته میشود". براساس این سیاستها "پایگاههای بهداشتی خارج اردوگاهی" در تمام استانهای کشور ساخته میشود. وی در ادامه گفته است که: سه مورد از این پایگاه های بهداشتی خارج اردوگاهی شامل "دشت زحمتکشان"، منطقه "سیم خاردار" و منطقه "فخارآباد" در استان کرمان، منطقه ای در استان اصفهان، منطقه افغان نشین استان قم، گلشهر مشهد و بیرجند ساخته شده است. هزینه های راه اندازی این اردوگاهها توسط سازمان ملل و وزارت بهداشت تامین شده است.

جمهوری اسلامی در طول سه دهه گذشته وسیع ترین و گسترده ترین قوانین و مقررات ضد انسانی و راسیستی را برعلیه جمعیت میلیونی افغانستانی مقیم ایران تصویب و به اجرا گذاشته است. راسیسم و نژاد پرستی اسلامی - ایرانی، "افغانی ستیزی"، دامن زدن به فضا و جو ضد افغانی، محورهای اصلی این سیاستهای جمهوری اسلامی بوده و می باشد. در کنار این سیاست کلی رژیم، مقررات و قوانینی چون ممنوعیت اقامت در شهرها، ممنوعیت کار، تحصیل، اشتغال در بخش های مختلف اقتصادی، در کنار سرکوب های گسترده و صدور احکام اعدام و دستگیری و به زندان انداختن هزاران نفر، تا اجرای پروژه ضد انسانی "بازگشت داوطلبانه" با همکاری سازمان ملل و دولت افغانستان، مجموعه سیاستهای رژیم برعلیه جمعیت میلیونی افغانستانی های مقیم ایران بوده است.

سازمان ملل از حدود ۸ سال پیش در همکاری با رژیم جمهوری اسلامی تحت عنوان پیدا کردن راه حلی برای موضوع "بحران

مهاجرین افغان"، ضمن تأیید بخش بزرگی از سیاستهای جمهوری اسلامی، رسماً در سازماندهی گسترده اخراج مهاجرین از ایران وارد همکاریهای گسترده با رژیم شده است. سازمان ملل با این توجیه که اوضاع در افغانستان عوض شده، حکومت طالبان سرنگون شده و مهاجرین برای "بازسازی افغانستان" باید به کشورشان برگردند، رسماً سیاست اخراج این جمعیت میلیونی توسط جمهوری اسلامی را تأیید کرده است. بی شرمی و وقاحت این سازمان تا آنجا پیش رفته است که طرح "بازگشت داوطلبانه جمهوری اسلامی"، که چیزی جز اخراج های گسترده با کمک این سازمان نیست را، تأیید و به عنوان یک راه حل در پیش گرفته است. در ادامه این همسویی سازمان ملل برای هر پناهجو ۱۰۰ دلار پول و ۱۰ کیلو برنج برای بازگشت به افغانستان میدهد. شرط دریافت این مبلغ معرفی مهاجرین به مسئولان و مقامات جمهوری اسلامی، پر کردن فرم بازگشت و تأیید این روند اداری توسط سازمان ملل می باشد. دفاتر کمیسیاری امور پناهندگان سازمان ملل که در چندین شهر ایران کار میکرده اند، بسته شده و فقط یک نماینده رابط این سازمان با مقامات جمهوری اسلامی، مشغول کار می باشد. به گفته مقامات جمهوری اسلامی سازمان ملل سالانه نزدیک به ۱۵۰ میلیون دلار به دولت ایران برای تأمین حداقل های زندگی موقت افغانستانی ها در ایران می پردازد. از حدود ۴ سال پیش کل این هزینه رسماً و با توافق سازمان ملل فقط شامل کسانی میشود که فرم بازگشت به افغانستان را پر کرده باشند. پا به پای این توافقات، نزدیک به دومیلیون

جمعیت افغانستانی مقیم ایران، در طول یک دهه گذشته رسماً از شهرها اخراج شده و در "مهمانشهرها" که اردوگاههای اجباری و گتوهای حفاظت شده می باشند، منتقل گشته اند.

جمهوری اسلامی برای عملی کردن سیاست کوچ اجباری و تحمیلی به صدها هزار پناهجوی افغانستانی که در شهرها مشغول کار و زندگی بودند، حملات گسترده ای را سازمان داده است. بر اساس این سیاست نیروهای سپاه، بسیج و دار و دسته های موسوم به "نیروهای مبارزه با مواد مخدر" اکثراً شبانه به مناطق و محلات سکونت مهاجرین حمله برده، با سرکوب های وحشیانه، آنها را دستگیر و به اردوگاههای نامبرده منتقل کرده اند. بنابر اعتراف مقامات وزارت کشور نتیجه این اقدامات حکومت، نزدیک به یک میلیون نفر از این جمعیت به "مهمانشهرها"، اردوگاههای اجباری در مناطق دور دست از شهرهای بزرگ منتقل شده اند. این وضعیت جمعیت میلیونی افغانستانی های مقیم ایران است. همزمان با ادامه سیاستهای سرکوبگرانه و تآکنونی جمهوری اسلامی است که هیات دولت رسماً اخراج صدها هزار نفری این جمعیت را تصویب کرده و قرار است تا آخر سال ۹۴ این جمعیت از ایران اخراج گردند. پیرو این مصوبه دولت است که حملات گسترده رژیم برای دستگیری و انتقال این جمعیت به "مهمانشهرها" آغاز شده است. مهمانشهرها اردوگاههای اجباری با پایگاههای نظامی بسیج و سپاه مستقر در اطراف آنها می باشند. در این گتوها صدها هزار نفر با کمترین امکانات در انتظار اخراج به افغانستان، اقامت دارند. دریافت غذای روزانه، برخورداری

از چندرغاز امکانات این اردوگاهها، منوط به پر کردن فرم بازگشت به افغانستان می باشد. دهها هزار کودک که در ایران بدنیآ آمده اند، در این اردوگاهها مجبوره زندگی هستند. خبری از مدرسه، بهداشت، درمان، آب آشامیدنی و کمترین امکانات زندگی در این اردوگاهها نیست. در اعتراض به این وضعیت غیر انسانی در طول چند سال گذشته اعتراضات گسترده ای توسط مردم ساکن این اردوگاهها جریان داشته است که در اکثر موارد مورد هجوم نیروهای سرکوبگر قرار گرفته، دهها نفر کشته و صدها نفر زخمی شده اند. نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی به بهانه "قاچاق مواد مخدر" هزاران نفر را دستگیر و در زندانهای پر کویرهای لوت، نمک، استانهای قم، سمنان، یزد و کرمان، منتقل کرده اند. کسی خبری از وضعیت حتی زنده ماندن این دستگیرشدگان، ندارد. به اعتراف نیروی مرزبانی جمهوری اسلامی در استانهای هم مرز با کشور افغانستان، در طول ۵ سال گذشته بیش از ۲۰۰ هزار نفر در قالب "طرح بازگشت داوطلبانه"، به افغانستان باز گردانده شده اند.

مصوبه اخیر دولت اقدام سازمانیافته و تهاجم گسترده تر و وحشیانه تر رژیم به مهاجرین افغانستانی می باشد، سیاستی که جان و زندگی میلیونها نفر را هدف قرار داده و جامعه جهانی و سازمان ملل در مقابل آن سکوت اختیار کرده اند. جمهوری اسلامی آمارافغانستانی های مقیم ایران را نزدیک به ۳ میلیون نفر اعلام کرده است که با وجود سالها کار و اقامت در ایران از حداقل حقوق شهروندی محروم هستند، بیش از ۱

علیرغم اعتراض خانواده محکومین به اعدام در مقابل زندان گوهردشت، صبح امروز حکومت فاشیست اسلامی هشت جوان را در این زندان اعدام کرد!

اطلاعیه شماره ۶

طبق اخباری که به ما رسیده، روز دوشنبه بعد از اعلام اینکه حکومت اسلامی بیست نفر را به سلول انفرادی جهت اجرای حکم اعدام برده است، خانواده های این زندانیان در

مقابل زندان گوهردشت تجمع کرده و خواهان لغو حکم اعدام عزیزان خود شدند. حکومت جنایت و وقاحت اسلامی علیرغم این اعتراضات، امروز صبح هشت نفر را سبانه در زندان گوهردشت اعدام کرد. گزارشی که "فعالین حقوق بشر

و دمکراسی در ایران" منتشر کرده اند، حکایت از اعدام حداقل هشت نفر دارد. این گزارش اعلام میکند که اکثر اعدام شدگان از زندانیان ندامتگاه کرج بوده اند و از روز یکشنبه در سلول انفرادی بوده اند. اسامی هشت نفر هنوز علنی نشده

است، ولی سه نفر از اعدام شدگان عبارتند از: سلیمانی، حسین کریمی و سرتیپ اسماعیلی. از دو روز پیش سی نفر برای اجرای حکم اعدام به سلول انفرادی منتقل شده اند. به این موج وحشیانه اعدامها باید اعتراض کرد. روز ۲۴ نوامبر روز

جهانی اعتراض به اعدامها است. در همه جا میتینگ اعتراضی سازمان دهید به هر طریق ممکن به اعدامها اعتراض کنید. کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۳ نوامبر ۲۰۱۲

بیان کار حکومت اسلامی در چهارشنبه خونین ۲۴ آبان ماه

اعدام سه نفر در ملا عام در اراک، اعدام یک نفر در زندان گوهردشت بریدن انگشتان دستهای دو جوان در یزد، بی حرمتی و توهین و گرداندن ده زندانی سلفی در مرکز شهر کرج و انتقال آنها به سلول انفرادی در قزل حصار

اطلاعیه شماره ۷

حکومت اسلامی ایران برای ترساندن مردم و از وحشت آغاز شورش های اجتماعی علیه فقر و بیعدالتی و گرانی سرسام آور و مشکلات متعدد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، به اعدامهای گسترده و زهر چشم گرفتن از مردم مشغول است. سران به اصطلاح قوه قضاییه از گسترش یافتن اعدامها حرف میزنند و در استانها و شهرستانها جلادان برای قتل تعداد بیشتری از جوانان مسابقه گذاشته اند. به این روند خطرناک قتل جوانان باید فوراً اعتراض کرد. کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکنند که در تظاهراتی روز ۲۴ نوامبر در هر جایی که هستند شرکت کنند.

حصار منتقل کردند، خطر اجرای حکم اعدام این ده نفر بسیار زیاد است. حکومتی که خبر دزدیهای میلیاردی سران جنایتکارش، خبر ریخت و پاشی سرسام آور و گم شدن بودجه و میلیاردها دلار پول از خزانه اش در همه جا پخش شده، حکومت دزدان و جانیان، به بریدن انگشتان دست دو جوان در یزد برای عبرت گرفتن مردم پرداخت و اینرا آگاهانه با صدای بلند جار زد. غافل از اینکه همین جنایات و وحشیگریها، خشم و انزجار مردم را بیش از پیش کرده و روز مرگ و سرنگونی این حکومت را نزدیکتر میکند. با ترساندن مردم میخواهند بمانند. اتحاد و اعتراض ما روز مرگشان را نزدیکتر میکند.

اعدام در ملا عام در اراک

سه جوان در میدان فراهان اراک در مقابل چشم مردم اعدام شدند. در مراسم شنیع قتل این سه جوان يك آخوند جنایتکار از اعدام این سه نفر دفاع کرد و اتهام این سه نفر را تجاوز اعلام کرد. بهزاد - ع ۲۷ ساله مهدی - م ۲۷ ساله و میثم - م ۲۷ ساله در سحرگاه خونین چهارشنبه یعنی بیست و چهار ساعت در اراک به قتل

رسیدند. اعدام يك جوان در رجایی شهر در همین روز يك جوان بنام حسین بهمنی طالب در زندان رجایی شهر کرج اعدام شد. حسین بهمنی متولد ۱۳۶۷ بود و به اتهام قتل اعدام شد در مراسم قتل عمد دولتی این جوان رییس اجرای احکام دادگاه عمومی تهران جمشیدی جنایتکار حاضر بود.

قطع انگشتان دستهای دو جوان در ملا عام

چهارشنبه رژیم اسلامی در عین حال انگشتان دستهای دو نفر را در ملا عام قطع کرد. رژیم اسلامی میگوید که انگشتان دستهای این دو نفر به اتهام دزدی قطع شده است و برای عبرت عمومی این کار را کرده است. این واقعه در یزد بود و در همان مراسم شنیع رییس کل دادگستری استان یزد از اجرای حکم اعدام دو نفر در این روزها در ملا عام در یزد خبر داد.

بی حرمتی و شکنجه علنی ده جوان سلفی

طبق خبری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده، ده زندانی سلفی را در روز سه شنبه از رجایی شهر با بی حرمتی و خشونت تمام جمع کرده و با خود

بردند. اکنون خبر رسیده که این ده نفر را به طرز خیلی خشونت آمیزی از زندان برده اند، دست بند به دست و پابند به پاهایشان زده و با پس گردنی و فحاشی های رکیک آنها را برده اند. در حین انتقال آنها با صدای بلند میگفتند اعدامتان میکنیم. طبق خبر این ده زندانی سلفی هوشیار محمدی، جمشید دهقانی، جهانگیر دهقانی، اصغر رحیمی، بهنام رحیمی، بهرام احمدی، محمد ظاهر بهمنی، کیوان زند کریمی، حامد احمدی، کمال مولایی را در مرکز شهر کرج گردانده و سپس به قزل حصار منتقل کرده اند. طبق خبر همه این افراد اکنون در زندان قزل حصار و در انفرادی هستند. این ده نفر از طرف مامورین حکومت اسلامی تحت فشار بوده اند که در مقابل دوربین اعتراف کنند. اتهام این افراد حمله به پاسگاه سنجند و یگان ویژه است و هر لحظه ممکنست اعدام شوند. این ده نفر بعد از دستگیری شکنجه و آزار و اذیت زیادی را متحمل شده و یکسال در انفرادی بوده اند. این ده جوان اتهامات را قبول نکرده و بهمین دلیل تحت فشار زیادی هستند. رژیم از آنها میخواهد نه فقط اتهامات را بپذیرند بلکه در مقابل

دوربین علیه خود شهادت دهند. کمیته بین المللی علیه اعدام این رفتار وحشیانه و توهین آمیز را در مقابل زندانیان بشدت محکوم میکند و خواهان لغو احکام اعدام این ده نفر است. مردم آزاده، ایرانیان معترض به اعدام در سراسر جهان! روز ۲۴ نوامبر روز اعتراض جهانی به این جنایات حکومت اسلامی است. اگر با شنیدن اخبار هر روزه اعدام و بی حرمتی به زندانیان سیاسی و قتل عمد وحشیانه حکومت اسلامی، نفرت و انزجار از این حکومت همه وجودتان را فرا میگیرد، باید بپا خیزید و همه باهم کاری بکنیم. ما موظفیم علیه این دستگاه جنایت کاری بکنیم. اعتراضات بین المللی همواره موثر بوده و جان تعداد زیادی را نجات داده است. برای نزدیک کردن روز مرگ و سرنگونی این حکومت بپاخیزید و بهر طریق ممکن به اعدامها اعتراض کنید. وعده ما ۲۴ نوامبر در همه جای جهان علیه اعدامها و در دفاع از آزادی زندانیان سیاسی در ایران

کمیته بین المللی علیه اعدام ۱۵ نوامبر ۲۰۱۲

۲۴ نوامبر روز اعتراض جهانی به اعدامها در ایران

اعلام اعتراضی بین المللی به اعدامها و توحش حکومت اسلامی

ایرانیان آزاده، مردم معترض به جنایات حکومت اسلامی در سراسر جهان!

جمهوری اسلامی ایران هفته گذشته حداقل ۲۲ نفر را در ایران اعدام کرد. و خبر از انجام چندین اعدام مخفی نیز در همین هفته به دست ما رسیده است.

این هفته جسد ستار بهشتی وبلاگ نویس منتقد حکومت اسلامی بعد از نه روز شکنجه، با حضور سروکوبگران اسلامی و در فضای امنیتی، به خاک سپرده شد. حکومت اسلامی ایران عملاً مانع برگزاری مراسم گرامیداشت او در تهران شده و خانواده او را زیر فشار شدیدی قرار داده است که با رسانه های بین المللی تماس نگیرند.

همین هفته خبر قتل جمیل

سویدی در زیر شکنجه از زندان اهواز منتشر شد و گفته میشود که روز ۹ نوامبر او را زیر شکنجه کشته اند.

از زندان رجایی شهر خبر میرسد که زانیار مرادی محکوم به اعدام مجدداً زیر فشار آزار و اذیت روحی و جسمی قرار گرفته و پدر زانیار از شکنجه شدن مجدد فرزندش در زندان حرف میزند.

شاهرخ زمانی کارگر زندانی در همین دو هفته اخیر دو نامه به بیرون از زندان ارسال کرده و از اعمال شکنجه های وحشیانه علیه خود و دیگر زندانیان حرف میزند. رفتار وحشیانه حکومت اسلامی ایران در زندان زندان در اوین و بی حرمتی به زنان زندانی و سهل انگاری حکومت اسلامی در مقابل وضعیت

خطرناک نسرین ستوده و ... همه و همه تنها گوشه ای از رفتار ددمنشانه حکومت اسلامی علیه زندانیان سیاسی در ایران است.

در زندان رجایی شهر حکومت اسلامی ایران ۱۱۱۷ زندانی محکوم به اعدام دارد که بسیاری از آنها به اتهام "مواد مخدر" به اعدام محکوم شده و رژیم در هفته های اخیر تعدادی از آنها را اعدام کرد.

در ایران بیش از ۳۰۰۰ زندانی مواد مخدری محکوم به ایران وجود دارند که حکومت اسلامی ایران در صدد اجرای احکام اعدام اینها است. خبر میرسد که در زندانها فضایی ایجاد شده است که از محکومین به اعدام طی پخش یک پرسش نامه پرسیده اند، "چرا تا کنون اعدام نشده اید"، و ظاهراً رژیم

با بررسی پاسخها در صدد است موانع اجرای احکام اعدام را از پیش برداشته و این زندانیان را اعدام کند. از سوی دیگر رژیم اسلامی از خانواده های کسانی که شاکی خصوصی در برخی از پرونده های اعدام هستند، میخواهد که مخارج نگهداری این افراد در زندان را به عهده بگیرند و از این طریق غیر مستقیم این خانواده ها را تحریک میکنند که خواهان اجرای احکام اعدام شوند و چنین روند خطرناکی در ایران میروید که باعث اجرای احکام اعدام تعداد بسیاری بیشتری در زندانها شود.

رژیم در صدد اجرای احکام صدها نفر است و این موقعیت بسیار خطرناک و جدی است و باید در این مورد فعالانه و متحذانه و

بین المللی اقدام کرد.

حقیقت اینست که جمهوری اسلامی ایران در مقابل فقر و فلاکت غیر قابل تصویری که بر مردم تحمیل کرده، حکومتی که دریای خشم و انزجار مردم علیه خود را می شناسد، از ترس اعتراضات گسترده اجتماعی، از ترس سرنگون شدن توسط مردم معترض، خون میریزد و با انجام اعدامهای گسترده تر در این روزها میخواهد پنجه های خونین خود را به همه مردم نشان دهد.

سران حکومت اسلامی و بویژه مقامات قوه قضاییه، از اجرای احکام اعدام بیشتر در همه شهرهای ایران حرف میزنند، اکنون به اصطلاح دادستانها و مسئولین

ادامه صفحه ۱۶

علیه اعدام ها، علیه قتل ستار بهشتی و برای آزادی زندانیان سیاسی

خطاب به ایرانیان مقیم خارج

جمهوری اسلامی نگران فوران خشم مردم از کل جهنم موجود، بگیر و ببندها و اعدام ها را بشدت افزایش داده است. تنها در چند روز گذشته دهها نفر توسط جلادان حکومت اعدام شده اند. این اعدام ها که بعضاً در ملاء عام صورت میگیرد یک هدف بیشتر ندارد: ترساندن مردم. و امروز امکان عقب راندن رژیم و یک توده های بزرگ به جنایتکاران از هر زمان بیشتر است. در دفاع از همه مردم تحت ستم ایران، در دفاع از

زندانین سیاسی و علیه اعدام جوانان که با بهانه های مختلف صورت میگیرد به میدان بیایید.

قتل ستار بهشتی در زندان نشان داد که تا چه حد جنایتکاران خود وحشت زده اند. مقامات حکومت به غلط کردن افتاده اند و قول رسیدگی به این مساله را به مردم میدهند. به دست و پا افتاده اند و از مجازات عاملین قتل و شکنجه او صحبت میکنند. در همه زمینه ها به تنگنا افتاده اند و همدیگر را افشا میکنند

و علیه هم رجز میخوانند. وقت آن است که ایرانیان مقیم خارج یکپارچه بلند شوند و به حمایت از مردم در ایران، خیابانهای شهرهای اروپا و آمریکا را به اشغال خود درآورند. یک اعتراض قدرتمند در خارج کشور و جلب حمایت و توجه مردم جهان نسبت به خواستها و اعتراضات مردم در ایران، روحیه مبارزه جوئی مردم در داخل کشور را تقویت میکند و سرعت جبهه جانیان حاکم را که از همیشه پراکنده تر و ضعیف

تراست، بحرانی تر میکند. میتوانیم به اعدام ها پایان دهیم. میتوانیم عزیزانمان را از زندانها بیرون بکشیم. میتوانیم مبارزه مان را گام بزرگی به جلو ببریم. اینها که اعدام میشوند جوانان محروم ما هستند که از همه چیز

ساقط شده اند و بعضاً به مواد مخدری که قبل از هرکس باندهای حکومت به توزیع و فروش آن مشغولند، روی آورده اند. بسیاری از آنها نیز زیر فشار و شکنجه و شرایط غیر انسانی، مجبور به اعتراف به جرائم میشوند که مرتکب نشده اند. همه موظفیم مانع این کشتار بیرحمانه جوانان شویم. بلند شویم و خواهان لغو مجازات ضد انسانی اعدام شویم. بلند شویم و خواهان آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی و

کارگران زندانی از زندانها شویم. برخیزیم و علیه فقر و فلاکتی که جمهوری اسلامی به مردم تحمیل کرده است اعتراض کنیم. وقت همبستگی گسترده با مردم ایران برای سرنگونی حکومت نکبت اسلامی است.

روز شنبه ۲۴ نوامبر روز اعتراض به اعدام ها، اعتراض به قتل ستار بهشتی و برای آزادی زندانیان سیاسی است. در اجتماعاتی که تاکنون اعلام شده شرکت کنید و در هر شهری که تاکنون اعلام تظاهرات نشده، تظاهرات خود را اعلام کنید.

مرکز بر جمهوری اسلامی
تشکیلات خارج کشور حزب
کمونیست کارگری ایران
۱۵ نوامبر ۲۰۱۲

اساس سوسیالیسم انسان است!

به سازمانها و شخصیت‌های بشردوست و آزادیخواه در رابطه با روز اعتراضی ۲۴ نوامبر ۲۰۱۲



شیوا محبوبی

به سازمانها و شخصیت‌های بشردوست و آزادیخواه در رابطه با روز اعتراضی ۲۴ نوامبر ۲۰۱۲ ستار بهشتی (۳۵ ساله) کارگر و فعال سیاسی و ویلاگنویس در اثر شکنجه جان خود را از دست داد. جمیل سویدی (۴۵ ساله) ساکن در منطقه لشکر آباد اهواز تحت شکنجه نیروهای امنیتی کشته شد. روز ۱۷ آبان ماه رژیم ۳۵ نفر را در زندان وکیل آباد مشهد اعدام کرد.

در عرض ۲ هفته گذشته دهها تن دیگر در زندانهای شیراز، تهران و کرمان اعدام شدند. در زندان رجایی شهر ۱۶۰ زندانی عقیدتی محکوم به اعدام هستند، رژیم روز سه شنبه ۱۳ نوامبر ۱۰ نفر از این زندانیان را به مکان نامعلومی انتقال داده است. در اعتراض به کشتن ستار بهشتی اعتراضات وسیعی از سوی شخصیتها و مجامع بین المللی از جمله پارلمان اروپا صورت گرفت، به طوریکه در هفته گذشته نایب رئیس مجلس رژیم از تشکیل کمیته ویژه بررسی مرگ ستار بهشتی و بلاگ نویس زندانی در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس خبر داد. هم پندیهای ستار مشاهدات خود را در ارتباط با قتل وی در نامه ای به بیرون از زندان ارسال داشتند. زندانیان سیاسی و خانواده هایشان علیرغم فشار رژیم، با نامه ها و صحبت‌هایشان خطاب به مردم دنیا دیوارهای زندان را در هم شکسته اند و مردم و سازمانهای

بشردوست و آزادیخواه در سراسر دنیا عکس العمل نشان داده و پیامشان را به گوش تعداد وسیعتری رسانده و رژیم را به بزبونی کشانده اند. علاوه بر احکام اعدام زندانیان سیاسی اینبار ما شاهد این هستیم که رژیم ماشین کشتار خود را به سوی ضعیفترین بخش زندانیان متوجه کرده است: زندانیان "مواد مخدری" و خانواده هایشان. به نظر میاید کسی صدایشان را نمیشنود و کسی صدای آنها نیست. کسی اسمشان را نمیداند و نمیداند بچه ها و خانواده هایشان چگونه زندگی را سپری میکنند. روز دوشنبه ۱۲ نوامبر تعدادی از خانواده های محکومین به اعدام در مقابل زندان گهردشت تجمع کردند، اما این اعدامها هنوز توجه افکار عمومی جهان را در سطح وسیعی متوجه خود نکرده است. رژیم کاملاً هدفمند در این چند هفته اخیر دهها نفر را تحت عناوین جرائم مربوط به مواد مخدر اعدام کرده است. تعداد وسیعتری منتظر اجرای حکم

اعدامشان هستند. از طرفی احکام اعدام بیش از ۱۰۰ زندانی سیاسی و مدنی هنوز لغو نشده است، اما تفاوت این اعدامها با مورد فوق در این است که هر حکم اعدام یک زندانی سیاسی با یک اعتراض جهانی روبرو شده است. مردم نگذاشته اند این زندانیان را اعدام کنند و یا اگر زندانی مانند ستار بهشتی را کشته اند رژیم مجبور شده است در این مورد توضیح بدهد. جمهوری اسلامی سیاست سرکشی را هر بار و به اقتضای توازن قوا و اعتراضات موجود متوجه قشر مشخصی در جامعه میکند تا بتواند جو رعب و وحشت ایجاد کند، اما ماشین کشتار رژیم، رو به هر بخش جامعه قرار بگیرد محکوم است و باید مورد اعتراض قرار بگیرد. اعدام قتل عمد دولتی است و در هر شکل و فرمی باید متوقف شود. باید مورد اعتراض جهانی قرار بگیرد. اعتراض جهانی و یکصدا علیه تمامی احکام اعدام،

می تواند جان هزاران نفر زندانی را نجات داده و فضا را برای اعتراضات آتی و به عقب راندن ماشین سرکوب رژیم بازتر میکند. روز ۲۴ نوامبر ۲۰۱۲ برابر با چهارم آذر روز دفاع از انسانیت است، روزی است که یکصدا در یک صف محکم مقابل وحشیگری رژیم خواهان لغو احکام اعدام می‌شویم. از تمامی شخصیتها و سازمانهای آزادیخواه و انساندوست دعوت میکنم تا در روز ۲۴ نوامبر برابر با ۴ آذر ماه در سراسر جهان به صف اعتراض به احکام اعدام و شکنجه و زندان بپیوندند و از انسانیت دفاع کنند. شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ۱۳ نوامبر ۲۰۱۲ برای لیست تظاهراتهای اعلام شده لطفاً به وبلاگ زیر مراجعه نمایید <http://zendanisia-si.wordpress.com>

میتوانیم این ماشین جنایت و اعدام را متوقف کنیم ۲۴ نوامبر روز اعتراض جهانی علیه اعدام

موج آدمکشی حکومت اسلامی در تهران و شیراز و کرمان و مشهد و اهواز و در سراسر کشور در جریان است. ۳۰۰۰ نفر از زندانیان عادی توسط جنایتکاران اسلامی به اعدام محکوم شده اند و هر روز تعدادی جوان با بیرحمی قربانی میشوند. این جوانان را به جرمها و اتهاماتی از قبیل قاچاق مواد مخدر و امثال اینها اعدام میکنند. اما همه کس میداند که اینها برچسبهایی است برای اینکه مردم دست به حرکت و مقابله با این کشتارها نزنند و در عین حال با مشاهده چوبه های دار و اخبار

اعدامها مرعوب و ساکت شوند. همه کس میداند که رژیم اسلامی بر کشتارهایش شدت داده است تا جامعه را مرعوب کند. در همین هفته های اخیر ستار بهشتی یک وبلاگ نویس معترض را وحشیانه زیر شکنجه کشتند. جمیل سویدی یک زندانی سیاسی دیگر را در اهواز به قتل رساندند. بعلاوه زندانیان سیاسی از جمله شاهرخ زمانی و زانبار مرادی از تشدید فشارها علیه خود خبر میدهند. حکومت به روشنی می بیند که چگونه جامعه زیر فشار فقر و فلاکت به مرز انفجار رسیده است و جنبش اعتراضی

کارگری هر روز قدرتمند تر به جلو می آید. ترس از "شورش گرسنگان" به کابوس هر روزه سران جنایتکار این حکومت تبدیل شده است و جمهوری اسلامی میخواهد این موج قدرتمند اعتراض مردم را که در راه است عقب زند. این جنایات تعرض و تهاجمی به همه مردم بجان آمده است. و باید با مقابله همه مردم در ایران و همه سازمانهای سیاسی مواجه شود. میتوانیم با یک حرکت متحدانه جانین درنده خوی اسلامی را به عقب برانیم. میتوانیم کاری کنیم که حکومت اسلامی از موج اعتراض و خشم مردم به لرزه بیفتد.

۲۴ نوامبر از سوی کمیته علیه اعدام و کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به عنوان روز اعتراض به اعدام و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی اعلام شده است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از همه کارگران و مردم شریف و سازمانها نهادهای انسان دوست میخواهد که به این کمپین بپیوندند و در این روز صدای اعتراض به جانین حاکم در ایران را در همه جهان انعکاس دهند. برای متوقف کردن اعدامها و آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، دست به دست هم دهیم و حاکمین اسلامی را عقب برانیم. ۲۴

نوامبر روز اعتراض سراسری ما در سراسر جهان در برابر این توحش است. اعدامها باید فوراً متوقف شوند و کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان آزاد گردند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی" شهلا دانشفر Shahla_daneshfar@yahoo.com بهرام سروش Bahram.Soroush@gmail.com <http://free-them-now.blogspot.com> ۱۱ نوامبر ۲۰۱۲

فاجعه هولناک اعتیاد در ایران

در دو شماره قبل انترناسیونال گزارش‌های همکارمان لیلا مشیری و بازگویی صحنه‌هایی تکان دهنده از فاجعه اعتیاد در ایران را داشتیم. در این شماره ادامه آن گزارش‌ها را از خلال ارقام و آمار رسمی می‌خوانید که بیان‌کننده میلیون‌ها مورد دیگر از صحنه‌های نشان داده شده در گزارشات قبلی است.

لیلا مشیری

امروز دیگر همه مردم جمهوری اسلامی را بانی اصلی معضل اعتیاد در ایران میدانند. معضلی در حدیک نسل کشی میلیونی از جوانان. ابعاد مساله واقعا ترسناک است. این يك فاجعه بزرگ اجتماعی و انسانی است. جمهوری اسلامی و نظامی که از آن با چنگ و دندان حفاظت میکند، عامل بیکاری وسیع، فقر وحشتناک، محرومیت از ساده‌ترین نیازها و شادی‌ها، تحمیل بی‌حقوقی و بی‌حرمتی به مردم و محروم کردن مردم و بویژه نسل جوان از هر نیاز انسانی است و اینها زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی روی‌آوری به اعتیاد است. اما علاوه بر این همه شواهد نشان میدهد که رژیم مستقیم و غیر مستقیم در ایجاد و توسعه شبکه‌های مافیایی تولید و توزیع خطرناکترین مخدرهای صنعتی با غلظت و قدرت فوق‌العاده مخرب و همچنین ارزان و قابل دسترس، مستقیم و غیر مستقیم دست دارد و به تمام معنی مسئول این فاجعه هولناک در ایران است. فاجعه‌ای که اساسا خانواده‌های کارگری و محروم جامعه را بیش از همه در بر گرفته است.

برخورد جمهوری اسلامی به پدیده اعتیاد و به میلیون‌ها معتاد نیز فاکتور دیگر گسترش اعتیاد در ایران است. بجای مداوای معتادان، بجای حرمت قائل شدن برای آنها و کمک به بازسازی آنها، جمهوری

اسلامی می‌گیرد و شلاق می‌زند، از کار و مدرسه اخراج میکند و تحقیر میکند، اعتماد بنفس‌ها را میکشد و کرور کرور به زندان می‌اندازد و اعدام میکند. حتی زندان‌های جمهوری اسلامی هم بدلیل رفتارهای غیر انسانی با زندانیان از یکطرف و از طرف دیگر از طریق کمک ماموران حکومت در توزیع مواد مخدر در میان زندانیان، محل رشد اعتیاد و بیماری‌های ناشی از آن هستند.

فقر و فلاکت، بیکاری، تحقیر روزمره، عدم احساس خوشبختی و نبود فضای مناسب برای بروز خلاقیت‌های فردی و اجتماعی، بی‌آیندگی، نبود خوشی و سرگرمی سالم، بگیری و ببندهای حکومتی، از خودبیگانگی، نبود زمینه‌های مناسب اجتماعی برای تحقق‌آمال و آرزوها و عینیت بخشیدن به خود به مثابه فردیتی منحصر بفرد و دهها مصیبت دیگر به یاس و نومیدی، بی‌خوابی، اضطراب، افسردگی و روان‌پریشی منجر میشود و نسل جوان و مردم فقیر و محروم برای گریز از التیام دردهای خود به اعتیاد پناه می‌برند. اما حتی اعدام معتادان نیز دستمایه حکومت برای ترساندن جامعه و به تسلیم کشاندن مردم در مقابل این نظام جهنمی است که به مردم تحمیل کرده است.

ابعاد و عمق فاجعه آنچنان گسترده است که نهادهای بین‌المللی مرتبط در این عرصه از آن بعنوان "اپیدمی اعتیاد به مواد مخدر در ایران" یاد می‌کنند. جمهوری اسلامی همواره تلاش نموده است با پنهانکاری از ارائه آمار واقعی معضل اعتیاد و عواقب خانمانسوز آن سر باز زند اما از لایلای اخبار منتشرشده در جراید داخلی و بین‌المللی و اظهارات مقامات رژیم و نهاد های بین‌المللی و مشاهدات عینی می‌توان به گوشه‌ای از ابعاد و عمق فاجعه انسانی که در این

عرصه در ایران به وقوع پیوسته است پی برد. توجه شما را به خواندن برخی از این گزارشات جلب می‌کنم.

بر پایه آمار سازمان ملل، ایران در سال ۲۰۱۰ پائین‌ترین سن اعتیاد و بیشترین مصرف سرانه مواد مخدر در جهان را دارا بوده است. روزنامه واشینگتن پست به تاریخ ۸-۷-۲۰۰۸ در خبری با استناد به گزارشات پیشین همین سازمان نوشت: سن مصرف مواد مخدر در ایران به ۱۰ سال کاهش یافته است بطوریکه متوسط سن اعتیاد بین ۱۰ تا ۱۹ سال می‌باشد، آماری که همزمان با پائین آمدن سن اعتیاد به ۱۳ سال که توسط سازمان ملی جوانان (که امروزه بخشی از وزارت ورزش و جوانان شده) اعلام نموده همخوانی می‌کند. به گزارش میهنفا به نقل از سلامت نیوز سن اعتیاد در مدارس ۱۲ و حتی به ۱۰ سال هم رسیده است.

دکتر مصطفی اقلیما رئیس انجمن مددکاران ایران در مصاحبه‌ای با سلامت‌نیوز از آمار معتادان ۱۰ تا ۱۲ ساله سخن گفت. او در گفتگویی با دویچه وله نیز تصریح کرد که پایین آمدن سن اعتیاد به ۱۰ تا ۱۲ سال را از آمار نیروی انتظامی گرفته است. او افزود تعداد معتادان هم اکنون ۴ میلیون نفر است و اگر مبنا را خانواده چهار نفره در نظر بگیریم یعنی يك مرد، يك زن و دو بچه، چهار میلیون معتاد را ضرب در ۴ کنیم می‌شود ۱۶ میلیون یعنی ۱۶ میلیون نفر که هشت میلیون آن کودک هستند به نحوی با اعتیاد درگیرند. این یعنی ۸ میلیون بچه خانواده معتاد در مدارس هستند که این‌ها به گونه‌ای آسیب دیده‌اند. وی می‌گوید که آموزش و پرورش هیچگاه این آمار را تایید نکرده و مسئولان آن همواره می‌گویند ما در مدارس کودک ۱۰

یا ۱۲ ساله معتاد نداریم. البته دلیل این امر آن است که به محض اثبات اعتیاد کودک، او از مدرسه اخراج می‌شود.

سازمان ملل در گزارشی تحت نام "ایران و مواد مخدر در سال ۲۰۱۰" نوشت ۳/۲ تریاک جهان فقط در پنج کشور جهان مصرف می‌شود که جمهوری اسلامی با ۴۲ درصد) معادل ۴۵۲ تن بالاترین میزان مصرف را بخود اختصاص می‌دهد و کشورهای افغانستان با (۷ درصد)، پاکستان (۷ درصد)، هند (۶ درصد) و روسیه (۵ درصد) در ردیفهای بعدی قرار دارند. بنا بر همین گزارش میزان مصرف سالانه هروئین در ایران ۱۴ تن است که معادل میزان مصرف کشور پرجمعیت هند با يك میلیارد و ۱۳۰ میلیون نفر است. این در حالیست که بی‌بی‌سی در ۱۸ خرداد ۹۱ با استناد به آخرین آمار ستاد مبارزه با مواد مخدر خبر داد که در ایران سالانه ۶۰۰ تن مواد مخدر مصرف می‌شود.

واقعیتی تلخ و دردناک که واشینگتن پست به نقل از پیتر روتر پروفیسور جرم‌شناس آمریکایی از "مشکل و معضل هروئین در ایران بعنوان بزرگترین مشکل هروئین در دنیا یاد می‌کند" و می‌گوید ۸۰ درصد معتادان در ایران از مشکل بیکاری رنج می‌برند. همین روزنامه بر اساس گزارش سال ۲۰۰۵ سازمان ملل متحد در گزارشی از تهران نوشت، "ایران رکورد دار تعداد معتادین در جهان است و از این لحاظ ایران در جهان بی‌رقیب است".

خبرگزاری رویترز در گزارش ۸ نوامبر ۲۰۰۹ به نقل از اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی که همزمان رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر نیز می‌باشد خبر از افزایش سالانه ۱۳۰ هزار نفر به تعداد معتادان کشور داد. حسن تامینی سخنگوی کمیسیون بهداشت و درمان مجلس به‌ایسنا گفت: ستاد

مبارزه با مواد مخدر اطلاعات درستی از میزان معتادان ارائه نمی‌کند و از سوی دیگر این امر متولی خاصی ندارد به همین دلیل آمار درستی نیز نمی‌توان به دست آورد و در گزارشی از خبرآنلاین مورخه چهارم مهرماه ۱۳۹۱ وزیر بهداشت گفت ۱۰ میلیون نفر درگیر اعتیاد هستند.

درمقاله‌ای، پول کورینگ به تاریخ ۲۷-۵-۲۰۱۰ در روزنامه کانادایی "گلوبال‌اند میل" که بر پایه سفر و مشاهدات شخصی او از تهران و مصاحبه با افراد دست‌اندرکار در عرصه اعتیاد به مواد مخدر انجام گرفت نوشت عباس دیلمی زاده رئیس "سازمان تولیدی دوباره" (آن‌جی او فعال در عرصه ترك اعتیاد به مواد مخدر در ایران می‌باشد) اظهار داشته "از جمعیت ۸۰ میلیونی ایران حدود ۵ میلیون معتاد سخت و يك میلیون معتاد تفتنی است. او همچنین گفت می‌توان در خیابان شوش يك دوز هروئین را کمتر از ۵۰ سنت خریداری کرد و اعتیاد در بین زنان بطرز وحشتناکی در حال افزایش است که این موجب گسترش تن‌فروشی، تجارت سکس و بالطبع بیماری‌های ایدز گردیده است".

به نقل از سایت پزشکان بدون مرز يك بررسی آماری نشان می‌دهد که آمار مصرف کنندگان مواد مخدر در ایران به ۱/۸ میلیون نفر می‌رسد. آدرخش مکرری مدیر مرکز مطالعات اعتیاد در ایران می‌گوید که "قرب به ۲۰ درصد (حدود ۱۲ میلیون) از جمعیت بزرگسالان ایران به نحوی مواد مخدر مصرف می‌کنند. مهدی گلپایگانی شاغل در مرکز معتادان پرسپولیس که در منطقه شوش تهران واقع است می‌گوید "۶۸ درصد معتادین به مصرف مواد مخدر قبل از ۲۰ سالگی (مدارس) شروع کرده‌اند". این در حالی است که بنا بر نتایج به دست آمده از سرشماری اخیر، ساخت سنی جمعیت کشور با فرا

ماهواره و حجاب دو معضل بزرگ احمد مقدم

شهلا دانشفر

ترویج کنند."

این سخنان بیش از هر چیز استیصال جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبش را در برابر مردم معترض و آزادیخواه ایران بیان میکند. کلی نیرو بسیج کردند. طرح های محله محورشان را به اجرا گذاشتند. از در و دیوار و پشت بام و بالکن به منازل مردم ریختند. دیش های ماهواره را جمع کردند. اما حریف نشدند. بعد از هر یورش، باز دیدند که ماهواره ها دوباره به خانه ها باز گشته است. یک نمونه بارز این ماهواره ها کانال جدید است. در طول دو ساعت برنامه روزانه این کانال مردم بسیاری در سراسر ایران پای برنامه هایش مینشینند. راهکارهایش را به گوش میگیرند و مشتاقانه در بحث ها شرکت کرده و اظهار نظر میکنند. بطوریکه امروز خیلی ها را می بینیم که در میان مردم تحت عنوان کانال جدیدی با یکدیگر آشنا شده و همدل و هم سخن میشوند. این کانالی است که بطور واقعی دارد صف آزادیخواهی و انسانیت را متحد میکند و سازمان میدهد. وجود چنین حقیقتی است که احمدی مقدم را چنین بیمناک کرده است. او با این سخنان در واقع دارد نتیجه کارنامه شکست سرکوبگری هایشان را رسماً به جامعه اعلام میکند.

همه درد احمدی مقدم و دیگر جانیان اسلامی اینست که علیرغم اینهمه سرکوب و فشار هر روزه بر مردم، علیرغم فقر و فلاکت بیسابقه ای که به گرده جامعه حاکم اند و نیز علیرغم یک عمر نوحه خوانی و دعوت مردم به قناعت و شکر الهی،

"انتخاب" از جمله خبرگزاری های حکومتی، از ماهواره ها و حجاب بعنوان دو معضل اساسی احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی رژیم اسلامی خبر میدهد. اشاره این خبر به سخنان او در نشست در قم است. بنا بر خبر در این سخنان احمدی مقدم بعنوان فرمانده ارشد اسلامی از وضع "حجاب" و "بدحجابی" کاسه صبرش لبریز شده و همه تاکیدش اینست که دیگر نباید ایستاد و منتظر کار فرهنگی شد. اما خودش هم میداند که تا کنون هم نایستاده اند و از همان روز اول حکومتشان چماق حجاب را بدست گرفتند. اما زورشان نرسیده است و شکست خورده اند. ۳۳ سال است که رژیم اسلامی برای برافراشته نگاهداشتن حجاب این پرچم آپارتاید جنسی، علیه زنان دارد قشون کشی میکنند. انواع و اقسام طرحهای حجاب و عفاف و امنیت و غیره را به راه انداخته است، درخیابانها حزب الله چرخانی کرده است و اما علیرغم همه اینها نه از حجاب چیزی به جا مانده است و نه از اسلامشان و بقول خودشان این کل نظام است که دارد میرود.

اما یک قسمت جالب دیگر سخنان احمدی مقدم در قم اشاره وی به ماهواره هاست. او فغانش از دست ماهواره ها بلند است و میگوید: "آنها قصد دارند مولفه های غربی همچون عدم قناعت، سیری ناپذیری، کامجویی و لذت جویی افراطی را در جامعه گسترانیده و فرهنگ نادرست و ضد انسانی غرب را در جامعه

زنان مسابقات والیبال را هم نباید ببینند!

فرح صبری

ورزشگاهها اعتراض خود را به این جداسازی وحشیانه بین انسانها بیان کرده اند.

دلیل سختگیری های حکومت در سالهای اخیر نه از روی توانمندی و قدرت بلکه از سر ضعف و زبونی روز افزون آن است. بخاطر وجود جمعیت زیاد در ورزشگاهها آوایش اسلامی جرئت ندارند، به بهانه های مختلف مانند بدحجابی و یا نشستن زن و مرد "نامحرم" در کنار یکدیگر به زنان حمله کرده و آنها را مورد تحقیر و توهین قرار دهند. اما زنان در طول تمام سالهای حکومت جانوران اسلامی از حقوق انسانی خود عقب ننشسته اند و با مبارزه مستمر خود خواب راحت را از این جانیان گرفته اند. جوانان با شکستن دیوار های آپارتاید جنسی در واقع سوت مرگ جمهوری اسلامی را به صدا در می آورند.

باید هر چه متشکل تر در این عرصه وارد شویم و پایه های نظام پوسیده اسلامی را به لرزه اندازیم. باید جمع ها و کانون های متشکل از زنان و مردان را درست کنیم و برای رفتن به استادیوم ها و تمام نقاط ممنوعه برای زنان و شکستن دیوارهای تحجر اسلامی آماده کنیم. باید فریاد بزینم ورزش بخشی از زندگی است و زندگی حق ما است!

به گزارش خبرگزاری فارس در روز پنجشنبه چهارم آبان: "بانوان در فصول گذشته بدون هیچ مشکلی وارد سالن مسابقات والیبال مردان در رده های باشگاهی و ملی می شدند. اما در جریان هفته دوم لیگ برتر، مسئولان برگزاری مسابقات اعلام کردند که با اعلام حراست وزارت ورزش و تا اطلاع ثانوی بانوان حق ورود به سالن را ندارند." به این ترتیب پس از ممانعت از حضور زنان علاقمند به فوتبال در ورزشگاهها که به سوژه فیلم سینمایی "آفساید" تبدیل شد، حالا زنان علاقمند به تماشای والیبال هم در "آفساید" قرار گرفتند.

سالها است که زنان و دختران نه تنها در عرصه ورزش به عنوان بازیکن با سد قوانین ارتجاعی اسلامی مواجه بوده اند، بلکه حتی از حضور در استادیوم ها نیز محرومند. یعنی حاکمیت اسلام تحمل زنان را حتی به عنوان تماشاچی مسابقات ورزشی را نیز ندارد و تمام نیروی سرکوب خود را برای جنگیدن با زنان در این عرصه بکار می برد. اما زنان با شجاعت بسیار و با پیکار بردن ابتکارات مختلف سد آپارتاید را شکسته و وارد استادیوم ها شده اند. و یا اینکه با تجمع پشپ میله های



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiiran.org

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

کلامی خطاب به زهرا دخترم که امکان دسترسی به او را ندارم!

دیشب خوابت را دیده ام و امروز غم بزرگی، در قلبم سنگینی میکند. احساس میکنم که سنگ بزرگی روی قفسه سینه ام هست و نمیگذارد راحت نفس بکشم تو در این روزها در چه حالی هستی؟ زهرای عزیزم! از آن روزی که با صدای بلند و با گریه پشت تلفن به من گفتی "به ما گفته اند شناسنامه مامان را ببریم فردا میخوانند اعدامش کنند، ۴ سال میگذرد".

من در آن مکالمه نمی فهمیدم چه میگوئی از بس صدای گریه ات بلند بود. برای اولین بار سرت داد زدم و گفتم، آرام باش به من با دقت بگو چه شده و چه گفته اند. و تو کمی آرام شده و احساس کردم جا خوردی و گفتی، مینا به ما تلفن کرده و گفته اند شناسنامه مامان را برای باطل شدن به زندان ببریم، به من گفتند که میخوانند مامان را اعدام کنند. و این يك روز سیاه و روز وحشت در زندگی تو و فرزینه بود که اگر دنیا شرف داشته باشد باید در مورد این بیست و چهار ساعت زندگی تو و خواهرت فیلمی بسازند. فیلمی که لحظات زندگی ترا از وقتی بابا و مامانت از هم جدا شدند و تو دیگر پدرت را ندیدی، از وقتی با دوست پسر مامانت در يك جا زندگی کردی و از آن شب شوم که آن دوست پسر قصد تعرض به تو را داشت، بگویند و اینکه مامانت در دفاع از تو به قتلی ناخواسته دست زد و جانیان حاکم بر ایران سبانه مامانت را کشتند و الان تو و خواهرت تنهای تنها هستید. فیلمی از جامعه ای که در آن مثنی آخوند و معمم و مکلار بر سر کار هستند که کاری جز جنایت و رذالت انجام نمیدهند.

من از ۲۴ نوامبر ۲۰۰۸ حرف

میزنم و اینکه بیست و چهار ساعت دوندگی و همراهی با تو در آن روزها همواره در قلبم و ذهنم هست و چون ده روز مانده به آن روز شوم، ترا خواب می بینم و از اینکه نتوانستم زیاد کمک اتان کنم، کمی معذم و ناراحت.

راستی حالتان چطور است؟ فرزینه آیا دانشگاه را تمام کرد. الان کجا هستید و چه میکنید؟ چهار سال قبل شما به دیدن مامان رفتید و آخرین ملاقات را با او کردید. برایم تعریف میکردی که یادت آمد که مامان همیشه به تو گفته عزیزترین موجود در زندگیش هستی و امیدوار هست که نجات یابد. یادت آمد که باهم حرف میزدید که روزی آزاد میشود و شما باهم در يك آپارتمان زندگی میکنید و تو و خواهرت درس میخوانید و آینده را میسازید و یادت آمد که مادرت همیشه به چشم های تو نگاه میکرد و میگفت باید از تو دفاع میکردم...

بیست و چهار ساعت هیجان و هیاهو و دوندگی و امید و یاس بود. روز ۲۴ نوامبر ۲۰۰۸ تلویزیون کانال جدید برنامه مستقیم در مورد احتمال اجرای حکم اعدام فاطمه حقیقت پژوه پخش میکرد و مردم میامدند و از مادرت دفاع میکردند. در تلویزیون فراخوانی داده شد مبنی بر اینکه باید با خانواده مقتول حرف زد. من خودم به آنها زنگ زدم و با يك مرد حرف زدم، مردی که راضی نمیشد و کماکان از اعدام دفاع میکرد. تو بمن گفتی مردم در مقابل در خانه مقتول جمع شده اند، نمیدانم چه میشود ولی میخوانند با آنها حرف بزنند... و من همه جمعیت را می شنیدم و کمی امید در صدای تو...

فردای آن روز ۲۵ نوامبر بود، روز جهانی اعتراض به خشونت بر علیه زنان، چه روز با مسمایی!!! ۲۵ نوامبر ۲۰۰۸ من در يك شهر آلمان سخنرانی داشتم و با قطار رفتم. در هتل محل اقامتم با تو تماس داشتم و نیمه شب در همان هتل و در آستانه وارد شدن ما به روز جهانی اعتراض به خشونت بر علیه زنان، من خشونت را در آنسوی خط با همه وجود لمس میکردم. همان روز مادرت را اعدام کردند و این روز برای من تا ابد با اسم مادر تو همراه است. هر سال و در هر سخنرانی خودم در این مورد حرف میزنم. تو میگفتی که ما الان در کنار دیوار زندان اوین هستیم و تو و خواهرت منتظر این بودید که به شما بگویند تمام شد!!!

آیا کسی، فیلمسازی، شاعری و یا نقاشی میتواند این صحنه و این لحظه و قسمتی از هراس و درد و رنج تو و خواهرت را ترسیم کند؟ آیا دنیا قادر است به این واقعیت نگاه کرده و حرفی بزند، از خودش دفاعی بکند؟

و تو با گریه ای که احساس میکردم با همه وجودت هست، بمن گفتی مینا، گفتند "فردا ساعت ۱۰ برای گرفتن جسد بیایید!!"

و من در هتل محل اقامتم زار زار گریه کردم و دوست داشتم آنجا بودم و ترا در آغوش می گرفتم. همان شب به تو گفتم از امشب دختر خودم هستی. تو و فرزینه بچه های خودم هستید. و همین امروز نیز همین را میگویم. بعضی وقتها میگوئی دلم برای مامان تنگ شده بود رفتم عکست را در اینترنت نگاه کردم و من امروز میگویم دلم برایت تنگ شده و این نامه را مینویسم. تو فرزند منی و از این راه دور بغلت میکنم و میگویم اگر نتوانستیم

مامان ترا نجات دهیم ولی کاری کردیم که حرمت و احترام را به او بازگردانیدیم. جانیان و قاتلین میخواستند او را بکشند و کاری کنند شما سرتان را نتوانید بالا بگیرید اینرا دیدم که وقتی اعدامش کردند به من گفتی مینا نمیدانم این مردم از کجا مامان را می شناسند، دهها دسته گل آمده برای ما و این برای من بسیار مهم بود. مردم مادر ترا شناختند و نشان دادند که او را می فهمند و علیه قتل عمد او هستند. مردم گفتند که جنایتکارانی بر ایران حاکم هستند

از صفحه ۶

میلیون نفر این جمعیت در ایران بدینا آمده اند. نزدیک به ۷۰۰ هزار نفر به گفته رژیم در ایران شاغل می باشند. سهم این جمعیت کارگری در تولید ناخالص ملی ایران به اعتراف سازمان برنامه و بودجه رژیم، رقمی نزدیک به ۳ درصد می باشد. ثروت و دارایی تولید شده از قبل کار این جمعیت سالانه رقمی بین ۸۰۰ تا هزار میلیارد تومان اعلام شده است. "هزینه های" که رژیم صرف اسکان و اقامت این جمعیت می کند رقمی بین ۲۳۰ تا ۲۵۰ میلیارد تومان در سال میباشد. با يك حساب سرانگشتی و با استناد به آمار و ارقام خود رژیم، کارگران افغانستانی نزدیک به چهار برابر هزینه ای که گویا جمهوری اسلامی برای زندگی آنچنانی این جمعیت اختصاص داده است، به ثروت و دارایی سرمایه داران اسلامی افزوده اند. علاوه بر آن سازمان ملل سالانه ۱۵۰ میلیون

که علت همه این مصیبت ها خودشان هستند. آنها باید بساطشان را جمع کنند و بروند. زهرا قول میدهم که این جانیان بزودی گورشان را گم خواهند کرد. آروز خواهی دید چه احترامی تو و خواهرت در بین مردم داری. و چگونه در قلب میلیونها نفر جا دارید. برای تو و فرزینه آرزوی سلامتی دارم.*

کلن - مینا احدی
۱۵ نوامبر ۲۰۱۲

تشديد اخراجها و حملات راسیستی رژیم به افغانستانی های مقیم ایران محکوم است!

دلار به جمهوری اسلامی کمک می کند، که خیلی بیشتر از "هزینه های" است که رژیم مدعی خرج کردن آن است. و با نگاه به وضعیت فلاکبار مهاجرین افغانستانی می توان دریافت که تمام هزینه های که رژیم ادعای صرف کردن آن را دارد، به جیب سران جمهوری اسلامی سرازیر می شود.

حملات راسیستی و نژاد پرستانه و طرح اخراج این جمعیت از ایران را باید بشدت محکوم کرد. افغانستانی های مقیم ایران باید از حق شهروندی و برابر برخوردار باشند. اگر قرار باشد کسی اخراج شود، جمهوری اسلامی و کارگزاران منفور آن می باشند. مردم ایران نباید در برابر این حملات راسیستی و نژاد پرستانه جمهوری اسلامی به مهاجران افغانستانی ساکت بنشینند. حمایت از این شهروندان در مقابل تعرضات جمهوری اسلامی، يك وظیفه انساندوستانه بوده و باید در دستور مردم قرار بگیرد.*

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

فاجعه هولناک اعتیاد در ایران

از صفحه ۱۰

رسیدن موج دوم افزایش جمعیت، به سمت جوان شدن در حرکت است و افزون بر بزرگی جمعیت زیر بیست سال در کشور، درصد بسیار بالایی از این جمعیت نیز در شهرها زندگی می کنند همان جایی که بدلیل ساختار شکننده اش "پناهگاه اعتیاد" لقب گرفته است. در چنین شرایطی سخنگوی کمیسیون بهداشت مجلس به نقل از خبر آنلاین بتاريخ ۲۲-۷-۱۳۹۰ می گوید "مواد مخدر به ارزانی در اختیار جوانان قرار می گیرد" و رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر اظهار می دارد آهنگ رشد استفاده از مواد مخدر بین نوجوانان و جوانان در حال حاضر بصورت انفجاری در حال افزایش است و اسماعیلی مقدم فرمانده کل نیروی انتظامی در گفتگو با ایسنا آمار تقریبی معتادان تزریقی و پرخطر در کشور را ۴۰ درصد از کل معتادین برآورد کرد.

ف ک ۲۹ ساله می گوید جوانان توجه چندانی به تریاک ندارند چون مصرف تریاک در بین سالمندان زیاد است. ک می گوید "تریاک اساسا بعنوان دارو یا آرام بخش علیه درد مصرف می شود ولی هروئین به شما کمک می کند از حقایق و از واقعیات فرار کنی. ما جوانان چیزی می خواهیم که کمک کند از واقعیات زندگی روزانه فرار کنیم و آن چیز همان هروئین است. یک جوان دیگر که قبلا زیبایی اندام کار می کرده می گوید هزینه تهیه هروئین از تهیه یک ساندویچ برایش کمتر است.

فرانسس هریسون گزارشگر بخش انگلیسی بی بی سی در تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۰۴ (آذر ۱۳۸۳) به نقل از دکتر بیژن نصیری منش شاغل در کلینیک ترک اعتیاد پرسپولیس گزارش می دهد: از ۵۰۰ معتادی که او از آنان آزمایش خون گرفته است ۲۵ درصد به

ویروس اچ ای وی مبتلا بوده اند و بدین ترتیب این ویروس از طریق سهم اعتیاد تزریقی که بنا بر گفته دکتر شاعری وزیر بهداشت ۶/۷۶ درصد می باشد بصورت انفجاری در حال انتقال به دیگر بخشهای جامعه است.

دکتر مجید بهری محقق در زمینه مواد مخدر و استاد دانشگاه تهران می گوید "نان گران می شود، شیشه و کراک ارزان". و از افزایش ۶۰ درصد کارگاههای تولید شیشه و کراک در کشور خبر داد که این سبب شده تا قیمت این مواد ۸۵ درصد ارزانتر شود و افزود ایران صادر کننده اینگونه مواد به کشور مالزی و جنوب شرق آسیا میباشد. موادی که در ایران تولید می شود به گفته وی ۱۵۰ برابر قدرت تخریبی بیشتری نسبت به مواد مشابه در دیگر کشورها برخوردار است. سایت خبری انتخاب به نقل از روزنامه شرق قیمت شیشه که رتبه اول مصرف مواد مخدر صنعتی را داراست چنین گزارش کرد: قیمت هر سوت (واحد خرید و فروش) شیشه در سال ۸۷ معادل ۸ هزار تومان در سال ۸۸ از ۴ تا ۵ هزار تومان و در سال ۹۰ تا ۲ هزار تومان کاهش یافته است و فرمانده ناجا می گوید قیمت ماده مخدر شیشه در سال های ابتدائی دهه ۸۰ شمسی حدود ۸ میلیون تومان در هر کیلو و در سال ۹۰ با کاهش ۴۰۰ درصد به ۲ میلیون تومان رسیده است و در سال ۹۱ قیمت آن کمتر از یک میلیون تومان است. این درحالیست که قیمت اقلام مصرفی ضروری مردم به طرز حیرت آوری در همین یک سال اخیر افزایش یافته است. مصرف مخدرهای صنعتی از جمله کراک، شیشه و نور جیزک در سال ۱۳۸۳ وجود نداشته است و در حال حاضر بدلیل قیمت پائین و دسترسی آسان و روش مصرف ساده تر تبدیل به الگوی مسلط مصرف در گروه های سنی زیر ۲۰ سال می باشد. روندی

که پیشتر سازمان ملل در گزارش خود در سال ۲۰۰۵ بدان اشاره نموده و از آن بعنوان افزایش چشمگیر تولید و مصرف مواد شیمیایی از سال ۲۰۰۱ در ایران نام می برد.

آمار سال ۱۳۸۵ مراکز ترک اعتیاد در تهران که می گویند "۲۴ درصد مراجعین به آنها معتادان به مخدرهای صنعتی بخصوص مخدری به نام کراک هستند"، آن را تکمیل و تائیدی بر گزارش مذکور است. به نقل از سلامت نیوز مورخه ۷ شهریور ۹۰ بررسیهای آماری حاکی از آن است که جمع آمار معتادین به مواد مخدر شیمیایی با ۴۰ درصد از تعداد کل معتادین (۲۰ درصد شیشه و ۲۰ درصد کراک) در صدر قرار می گیرد که افزایش شیوه های پرخطر مصرف مانند تزریق از اصلی ترین مولفه آن محسوب می شود.

همه این موارد در حالی اتفاق می افتد که مخدرهای صنعتی بواسطه فرمولاسیون پیچیده، اثرات تخریبی و اعتیاد زای فراوان دارند و این یافته قطعی پزشکان است و معتادان هم تایید می کنند که مثلا در مورد کراک حتی با یک بار مصرف آن فرد برای همیشه، همیشه ای که طول عمر کوتاهی در پی خواهد داشت به این ماده و مخدرهای قوی تر وابسته می شود که "مرگ" سرانجام زود هنگام آن است. مطالعه پرونده پزشکی معتادین به مخدرهای صنعتی نزد سازمان نظام پزشکی و پزشکی قانونی کشور تائید می کند که از دست دادن کبد و طحال نخستین اثرات استعمال مخدرهای صنعتی در اولین سال مصرف این مواد است. فردی که به این نوع مواد اعتیاد دارد هرگز نمی تواند بیش از یکماه زندگی عادی داشته باشد و پس از آن دردهای عضلانی و استخوانی وحشتناک به سراغش می آید و این آخرین لحظات عمر یک معتاد به مخدرهای شیمیایی و از جمله کراک و شیشه است. اگر در گذشته عوارض اعتیاد پس از

۱۰ تا ۱۵ سال فرد را زمینگیر می کرد، مخدرهای شیمیایی در کمتر از یکسال تا یک سال و نیم فرد را از پا در میاورد.

دکتر محمد علی نژاد کارشناس اعتیاد از مرگ بیش از ۸۰ درصد مصرف کنندگان شیشه تولید داخل بعد از گذشت ۲ سال خبر می دهد و در این باره می گوید: "به دلیل وجود برخی از اسیدهای کشنده و خطرناک در ماده مخدر تولید شیشه این ماده پس از ۶ ماه مصرف اثرات زیانباری را روی مغز بر جای گذاشته و باعث می شود فرد با آسیب های مغزی و مرگ روبرو شود. معتادان به شیشه پس از ۲ سال به علت افزایش مصرف و آسیب دیدن مغز و عروق قلبی جان خود را از دست می دهند. البته افرادی که از چنگال مرگ رهایی یابند با ضایعات مغزی از جمله از کار افتادن قدرت درک و حواس مواجه می شوند".

پروفسور علی گرجی استاد دانشگاه مونسستر آلمان در رشته تحقیقات- آسیب های مغز و اعصاب می گوید کسی که مواد مخدر شیشه مصرف می کند تنها دو سال زنده می ماند و حس و حرکت و تارهای صوتی اش تخریب می شود. او که بین سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۲ در بخش مسمومین بیمارستان مشهد مشغول به کار بوده است از خاطرات و تجارب خود در ایران می گوید: "آن زمان پودرهای مختلفی وجود داشت که آنها را رنگی می کردند و در تریاک مخلوط می کردند که این خودش عوارض ریوی و تنفسی جداگانه ایجاد می کرد و خیلی سریع باعث شوک و مرگ می شد. برخی هم دچار آریتمی (بی نظمی در ریتم) قلبی می شدند و ممکن بود بمیرند".

هروئین ناخالص که ترکیبی از تریاک است هم همین اثر را دارد ولی مرگ و میر ناشی از مصرف آن به مراتب بیشتر است، چون هروئین را معمولا تزریق می کنند و ناخالصی ها را بطور مستقیم وارد رگ می کنند. اما مواد مخدر

جدید به مراتب خطرناکتر است". این آمارها علیرغم هر درجه عدم دقتی که ناشی از شرایط حاکم بر ایران است، نشان میدهد که جامعه ایران دچار درد بزرگی شده که درمانی فوری طلب میکند. آیا واقعی نیست که گفته شود برای شروع به حل مساله و بعنوان اولین قدم باید به این حکومت پایان داد؟ پاورقی ۱: اعتیاد عبارت است از مسمومیت حاد و مزمن و یا بیماری جسمی-روانی برخاسته از فرایند تدریجی تاثیرگذاری مصرف مواد شیمیایی و طبیعی بر بدن که بدلیل مجموعه ای از عوامل از جمله شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی خاص که فرد معتاد در آن قرار می گیرد در او پدیدار میشود.

پاورقی ۲: مواد مخدر اصطلاحا به کلیه مواد طبیعی و شیمیایی گفته می شود که اعتیاد آور هستند و مصرف آنها در فرد حالاتی غیر عادی ایجاد می کند. این حالات که عموما لذت بخش هستند به صورت موقت و کاذب ایجاد می شود.

مخدرهای صنعتی به انواعی از مخدرها اطلاق می شود که در لابراتوارها و با استفاده از مواد شیمیایی مختلف ساخته می شوند و درجه بالای تخدیر، مخرج مشترک همه آنهاست. متامفتامین با نام های اسپید، کریستال و ایس در ایران با نام شیشه شناخته می شود. این ماده مخدر به ۴ روش کشیدنی، استفاده از طریق بینی، خوردنی یا تزریق مصرف می شود.*

منابع
1) United Nations World Drug Report 2010 and Iran
2) Peter Reuter: Professor, school of public publicly and department of criminology.
3) The Global and Mail, Paul Coring
4) Frances Haissou The BBC correspondent in Tehran

حجاب پوشش نیست!

فرح صبری

به ابعاد مختلف وجود داشته و هر روز مردم توانستند به راههای مختلف حجاب و پوشش اسلامی را به چالش بکشند، به طوریکه امروز از آن حجاب سیاه مورد نظر جمهوری اسلامی چیزی جز تکه پارچه ای رنگارنگ و نازک باقی نمانده است. و بخش بزرگی از پرستاران و کارکنان زن بیمارستانها به جرم بدحجابی مورد تذکر و تهدید و اخراج قرار گرفته اند.

ولی امروز جمهوری اسلامی خود در موقعیت بسیارضعیفی در تحمیل حجاب به زنان قرار گرفته است و مسئولین بیمارستانها ناچارند در مقابل خواسته پرستاران عقب نشینی کرده و لباس کار آنها را به استانداردهای بهداشتی آن نزدیک کنند. کراوات در خیلی از مراکز رواج یافته و مقنعه اسلامی را به شکل یک کلاه کار نزدیک کرده اند. و همین موضوع به قدری سردار اسلام را به ترس انداخته که فریاد میزند که چرا کارشان به اینجا رسیده است. البته ایشان از مسائل دیگری هم داد و فغان دارد و در دیدار با مکارم شیرازی میگوید: "در زمینه پارتی های شبانه و گروههای زیرزمینی میزان وقوع جرم کاهش یافته است اما در زمینه برخورد با بدحجابی و جمع آوری ماهواره بدلیل تعدد آرا چالش زیاد است و متأسفانه برخی دستگاهها نه تنها همکاری نمیکنند بلکه معارضة میکنند." مبارزه هر روزه و پیگیر مردم برای داشتن یک زندگی انسانی تمام دم و دستگاه رژیم را به جان هم انداخته است و تمام مدت از هم شکایت دارند که چرا در امر سرکوب مردم تمام تلاش شان را به کار نمیکنند اما باید گفت: آقای سردار از دم و دستگاههای مفلوکتان خرده نگیرید، همکاران جانی شما هم

سردار احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی رژیم در مورد تذکر به ۶۰ بیمارستان برای رعایت پوشش کارکنان و پرستاران اظهار کرد: "مدیریت این بیمارستانها اجبار کرده بودند که پرسنل آنها پوشش خاصی داشته باشند که به آنها تذکر داده شد." او با اشاره به ابلاغ رسمی برخی بیمارستانها در تهران مبنی بر اجباری بودن کراوات و نوع خاصی از پوشش برای زنان گفت: "چه اتفاقی افتاده که این مسئله در جمهوری اسلامی روی می دهد؟" آقای احمدی مقدم به خوبی میدانند که "حجاب" یک پوشش نیست از همین رو با هر "پوشش خاص" مشکل دارد و در واقع سوال این سردار اسلام این است که چه اتفاقی افتاده که اینهمه جنایت و سرکوب سی و چند ساله ما برای تحمیل حجاب به جامعه و به زنان اثر گذار نبوده و نتوانستیم حجاب را حتی با پونز به سر زنان پونز حفظ کنیم!

با اجباری شدن حجاب موضوع پوشش زنان در شغلهای خاص با مشکلات زیادی روبرو شد. بخصوص بیمارستانها از جمله مکانهایی بود که همیشه پوشش کارکنان بنا به معیارهای پزشکی انتخاب میشد و اجبار پرستاران و کارکنان بیمارستانی به حجابی که شامل یک مقنعه بلند و مانتو شلوار گشاد بود آنها را در امر پیشبرد وظایف بهداشتی و درمانی خود دچار زحمت و دردسر زیادی میکرد و چنین بیمارستانی که پوشش کارکنان آن صحیح و استاندارد نیست خود دچار یک معضل بهداشتی است. اما برای جلالان اسلامی انسان و بهداشت و علم از کمترین ارزشی برخوردار نیست. اما با وجود تمام سرکوب ها و بگیر و ببند ها مبارزه و مقاومت در برابر حجاب در جامعه

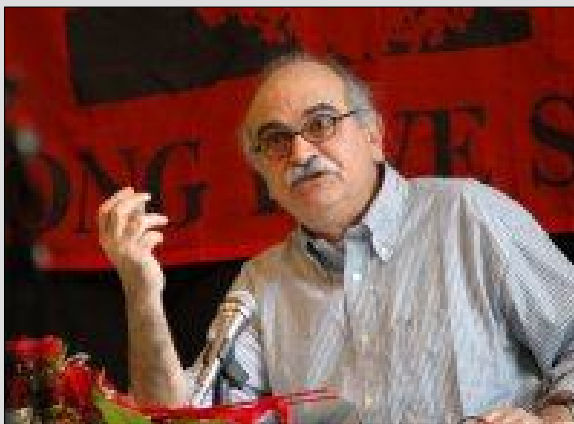
سمینار

چشم انداز نزدیکی و اتحاد نیروهای کمونیسم کارگری

بحثی در مورد:

ضرورت، امکان و زمینه های اتحاد احزاب، گروهها و فعالین کمونیسم کارگری در ایران و عراق

سخنران: حمید تقوائی



زمان: شنبه ۱۷ نوامبر، ساعت ۱۰:۳۰ تا ۶ بعدازظهر

مکان: استکهلم، سائن هوسبی ترف، ایستگاه قطار هوسبی

تلفن تماس: ۰۷۰۷۱۲۰۵۰۲ هوشیار سروش

ماهوره را به پایین پرتاب کنند، محله به محله هجوم بردید و به قول خودتان میخواستید پاکسازی کنید و همه ماهواره ها را جمع کنید، جریمه و زندان تعیین کردید، نتیجه چه شد؟ باز هم دست از پا درازتر اعلام میکنید که شکست خورده اید. این همان قدرت مردم است که شما جنایتکاران را عقب رانده است و تمام نیروی سرکوب

مانند خودتان میخواهند مثل روزهای اول حکومتان از اقتدار نسبی برخوردار باشند ولی دیگر مبارزه هر روزه مردم، آنها را از پای در آورده است. تمام تلاششان را کردید که با ترس و رعب و وحشت ماهواره ها را از خانه های مردم جمع کنید، نیروهای تکاور تربیت کردید که از ساختمانهای بلند بالا بروند و از پشت بامها دیشهایی

تان را به شکست کشانده است. شما نمیتوانید زندگی را از مردم بگیرید. مردم خمیر بازی زیر دستان کثیف شما نیستند و دیر نیست که تمام دستگاه سرکوبتان زیر دستانهای گره کرده همین مردم خورده خواهد شد تمامی جانیان اسلامی را به جرم جنایت علیه بشریت به محاکمه خواهیم کشید.*

اعتراض بازنشستگان پالایشگاه آبادان ادامه دارد

بدنبال تجمع اعتراضی تعدادی از بازنشستگان اخراجی از خانه های سازمانی پالایشگاه آبادان در مقابل دفتر احمدی نژاد و شرکت پالایش و پخش نفت در تهران که به همراه خانواده هایشان در روز ۲۳ آبان برگزار شد، کارگران بازنشسته روز ۲۵ آبان نیز در مقابل دفتر مرکزی پالایشگاه آبادان دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان پیگیری خواست خود شدند.

طبق گزارشی که به حزب رسیده است، موضوع از این قرار است که به ۱۹۰ کارگر بازنشسته و

بازخريد صنعت نفت اخطار شده است که يا خانه های سازمانی مسکونی خود را تخلیه کنند و يا بايد اجاره بپردازند. به کارگرانی که تازه بازنشسته شده اند و در این منازل سکونت دارند گفته شده بود که تا روز ۲۰ آبان فرصت دارند که منازل را تخلیه کنند در غیر اینصورت بابت اجاره از مقرری ماهانه آنها کسر خواهد شد. به کارگرانی که قبلا بازنشسته شده اند نیز مدتی است اخطار داده شده و مرتب دستمزد آنان را به گرو میگیرند و به آنها فشار میاورند که

خانه ها را تخلیه کنند اما کارگران با تجمعات مکرر خود موفق شده اند حقوق خود را از حلقوم دولت بیرون آورند. تعدادی از این کارگران بازخريد شده اند. به این کارگران در جریان بیکارسازیها گفته شده بود در صورتیکه خودتان بازخريد شوید به شما خانه سازمانی داده میشود و این کارگران به امید اینکه صاحب خانه میشوند خود را بازخريد کرده اند و حالا متوجه میشوند که دولت کلاه سر آنها گذاشته و در حالیکه کارگران علیرغم سابقه کار طولانی از هر حق و حقوقی صرفنظر کرده

اند، الان برای تخلیه خانه های خود تحت فشار قرار گرفته اند. کارگران بازنشسته میگویند زیر بار این فشارها نمیروند، منازل را تخلیه نمیکنند و برای آن خواهند جنگید. این مبارزات ادامه دارد.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از بازنشستگان پالایشگاه آبادان حمایت میکند. داشتن مسکن مناسب حق کارگران و همه مردم است. کارگرانی که سالهای طولانی کار کرده و بعضا حتی بدون حق و حقوقی به امید داشتن خانه خود را بازخريد کرده اند حق دارند

در خانه های سازمانی بمانند و زندگی کنند. حزب از کلیه کارگران پالایشگاه و از مردم شریف آبادان میخواهد که از کارگران بازنشسته حمایت کنند. همسران کارگران بازنشسته در تجمع کارگران در تهران شرکت داشتند، باید با تمام قوا و همراه با سایر اعضای خانواده در تجمعات شرکت کنند و مردم شهر را به حمایت فراخوانند. با اتحاد و نیروی جمعی همه کارگران و همراه کردن مردم زحمتکش و آزاده شهر میتوانیم رژیم را تسلیم خواست بحق خود کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ آبان ۱۳۹۱
۱۵ نوامبر ۲۰۱۲

نیروهای سرکوب رژیم مانع بستن گردنه ذوب آهن توسط کارگران بازنشسته شدند

اطلاعیه شماره ۱۵

کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان قرار بود امروز ۲۳ آبان گردنه مقابل ذوب آهن را ببندند. اما تعداد زیادی از مزدوران نیروی انتظامی از قبل در این محل مستقر شده و مسافرین ماشین هایی که در آنجا پیاده میشدند را به فولادشهر و زرین شهر باز میگرداندند. بدین ترتیب کارگران موفق به اجرای نقشه خود نشدند. کارگران پنج نفر از نمایندگان خود را برای پیگیری خواست پرداخت دو ماه حقوق مهر و آبان به تهران فرستادند. کارگران بازنشسته مصمم اند که اعتراض خود را برای نقد کردن حقوق خود از حلقوم مفتخوران به اشکال مختلف ادامه دهند.

کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان در بیانییه ۲۵ مهرماه خود خواهان پرداخت فوری حقوق های معوقه، افزایش فوری دستمزدها و افزایش سالانه دستمزد بالاتر از تورم، طب و خدمات پزشکی

رایگان برای همه اقشار مردم و تحصیل رایگان در همه سطوح از جمله در سطح دانشگاه شدند. شایسته است که کلیه کارگران و معلمان، کلیه کارمندان زحمتکش، تمامی بازنشستگان و کل جامعه از کارگران بازنشسته ذوب آهن و از بیانییه آنها حمایت کنند و به شکل قطعنامه و به اشکال مختلف دیگر این خواست ها را به پرچم مبارزه خود تبدیل نمایند.

زننده باد مبارزه متحدانه و پیگیرانه کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان

زننده باد همبستگی خانواده ها و مردم اصفهان با بازنشستگان ذوب آهن

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ آبان ۱۳۹۱
۱۳ نوامبر ۲۰۱۲

متن بیانییه کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان

کارگران، زحمتکشان و بازنشستگان صنعت فولاد ایران خسته نباشید. پیروزی تان مبارک باد

به همت و تلاش بیوقفه شما در طول این چند سال اکنون توانسته ایم بخشی از مطالبات از دست رفته خود را بدست آوریم. این جز در سایه اتحاد و همبستگی و تشکل کارگری امکان پذیر نبوده است. باشد در آینده بتوانیم با همت بلند و اتحاد شما رنجبران و زحمتکشان به سایر خواستههایمان که به شرح زیر است برسیم:

۱- پرداخت حقوقهای ماهانه و طلبهای معوقه در سرموقع
۲- خدمات بهداشت و درمان رایگان برای همه اقشار، بخصوص در ایام کهولت و پیری حق مسلم ما است.

۳- تحصیل رایگان در همه سطوح از جمله در سطح دانشگاه
۴- افزایش فوری دستمزدها و افزایش حقوق سالیانه بالاتر از



کارگران ذوب آهن اصفهان در اعتراض به قتل ستار بهشتی و در اقدامی نمادین، اسم دو کارگاه الکتریکی برق و مرآت را ستار بهشتی نامگذاری کردند و با رنگ مقابل در وردوی کارگاه اسم ستار بهشتی را نوشتند.

این يك اقدام بسیار مهم، درخشان و انساندوستانه توسط کارگران ذوب آهن است. این اقدامی است علیه جنایت حکومت

نرخ تورم سال
۵- از همه بازنشستگان ذوب آهن میخواهیم که هفته ای دو روز از ساعت ۹ تا ۱۲ در محل دفتر بازنشستگی تجمع کنند تا پیگیری خواستههایشان باشند و از تصمیم گیری های مسئولین مطلع گردند.

دو کارگاه ذوب آهن به اسم ستار بهشتی نامگذاری شد

و شکنجه و قتل ستار بهشتی و در بزرگداشت کارگر وبلاگ نویسی که يك فعال علیه اعدام بود.

اقدام کارگران ذوب آهن اصفهان را باید به همه جا گسترش داد. عکس و اسم ستار بهشتی را بعنوان يك چهره محبوب مبارزه مردم علیه حکومت کثیف اسلامی باید بر سر در هر کارخانه و اداره و مدرسه و دانشگاهی و بر در و دیوار هر کوچه و محله ای نوشت و یاد او را گرامی داشت.

زننده باد کارگران ذوب آهن اصفهان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ آبان ۱۳۹۱
۱۳ نوامبر ۲۰۱۲

در پایان از همبستگی مردم شهر اصفهان و همه رسانه هایی که صدای ما را منعکس کردند، سپاسگزاریم.

بازنشستگان صنعت فولاد اصفهان
بیست و پنجم مهرماه ۱۳۹۱

تصاویری از تظاهرات های ۱۴ نوامبر بر علیه ریاضت های اقتصادی و حمله به امکانات اجتماعی مردم در اروپا

۲۴ نوامبر روز اعتراض جهانی به اعدامها در ایران

سفارتخانه های حکومت اسلامی در همه جا باشیم. کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند که در روز شنبه ۲۴ نوامبر در حرکت بزرگ اعتراضی در دنیا علیه اعدامها شرکت کنند. این روز از سوی کمیته مبارزه برای زندانیان سیاسی به عنوان روز اعتراض به اعدامها در ایران و برای آزادی زندانیان سیاسی اعلام شده است. ما از همه احزاب و سازمانهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی و از همه مردم معترض دعوت میکنیم که در شهرهای مختلف دنیا در این روز به خیابان رفته و اعلام کنند که ما نمیگذاریم بیش از این حکومت اسلامی برای بقا و دوام حکومت ننگینش جوانان را قربانی کند. پیش به سوی اعتراضات گسترده جهانی به توحش و جنایات حکومت اسلامی پیش به سوی حرکت متحدانه برای نجات جان صدها زندانی محکوم به اعدام در ایران و آزادی زندانیان سیاسی

شهری و استانی قوه قضائیه، مسابقه اجرای احکام اعدام را گذاشته و ظاهراً هر جنایتکار و صاحب منصبی بیشتر اعدام کند، تعلق خاطر بیشتر خود را به حکومت و خامنه ای سردهسته جانیان نشان میدهد.

باید جلوی این ماشین جنایت و سرکوب را گرفت. برای مقابله با این جنایات و اعدامها برای مقابله با حکومت اسلامی و برای نزدیک کردن روز سرنگونی حکومت اسلامی باید علیه اعدامها و برای آزادی زندانیان سیاسی به میدان آمد.

کمیته بین المللی علیه اعدام با اعلام يك کمپین جهانی برای مقابله با اعدامها از همگان دعوت میکند که از امروز با برگزاری میتینگ های اعتراضی، با تظاهرات و برپایی چادر در مراکز شهرها و افشاکری در مورد جنایات حکومت اسلامی بکوشند توجه ها را یکبار دیگر در همه جا به جنایات حکومت فاشیست اسلامی جلب کنند.

ما باید دنیا را بر سر این جانیان خراب کنیم. در همه جا با برگزاری میتینگ و تظاهرات خواهان قطع کامل روابط دیپلماتیک با این حکومت وحشی و جنایتکار شویم. خواهان بسته شدن

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۱ نوامبر ۲۰۱۲

Mina Ahadi
Telefon: 0049 (0)
1775692413
E-Mail: minnaaha-
di@gmail.com

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!